

اتحاد مردم

شماره ۴۰
دوره اول
دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۵۹
به ۱۵۴ ریال

ارگان اتحاد مومکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر

- تحولات اجتماعی در جامعه روستایی ...
- هوشنگ پورکریم
- طرحهای انقلاب پرویز مسجدی
- یاسر عرفات میهمان المیاد ۸۳

کارگران خارجی در سیستم سرمایه داری انحصاری

انتقال توده عظیمی از افراد از یک کشور به کشور دیگر و حتی از یک قاره به قاره دیگر برای یافتن کار یکی از ویژگیهای رشد سرمایه داری معاصر است. امروز تعداد این مهاجران در مناطق مهم جهان به دهها میلیون انسان بالغ میگردد. تعداد آنان تنها در اروپای باختری ۵ تا ۲۰ میلیون نفر است. در مجموع در دهه ۷۰ تا ۷۰ تقریباً ۳۰-۴۰ میلیون نفر را اروپای باختری در رهنبرد کارگران مهاجر شرکت داشتند. اما ربهین المللی اطلاعات دقیقی درباره مهاجران مهاجرت کنونی نیروی کار در دست ندارد. زیرا بخش بسیار مهمی از مهاجران از ثبت نام خود طفره می روند و در وضع غیرقانونی زندگی میکنند. مخصوصاً آنکه کارگران مهاجر اروپای باختری چنین وضعی دارند.

آغاز انتقال عظیم افراد در جهان برای جستجوی کار با اعتلاء سرمایه داری به مرحله رشد امپریالیستی مقارن بود. ما ست ۲۰ ریان قرن بیستم مرکز عمده جذب نیروی کار خارجی آمریکای شمالی و تحت الحمایه های بریتانیا استرالیا، ژان نوآفریقای جنوبی بود. در آستانه قرن بیستم انتقال جمعیت جهانی کار از کشورهای عقب مانده اروپای جنوبی و شرقی و روسیه آغاز شد. در آن هنگام نخست کشورهای آسیای جنوبی و کشورهای پیشرفته اروپا چون فرانسه، سوئیس و آلمان به مرکز جذب نیروی کار خارجی بدل شدند.

پس از جنگ دوم جهانی، مهاجرت بهین - المللی نیروی کار رهنه تنها بطور قابل ملاحظه فزونی یافت، بلکه بطور محسوس جهات آن نیز دگرگون شد. در این دوره، ایالات متحد آمریکا آسان کرد و ورود نیروی کار مرکزیک و پورتوریکو محدود و یتنهائی برای مهاجرت به آن سوی

۱۰۰ به آذین

گواهی چشم و گوش

۳

جادو سرپالائی، از میان پیشه ها و صخره ها •
همه جا سرپالائی، از میان پیشه ها و صخره ها •
کنار، بیکریوس چند تانک •
پیاده میشویم و از میان بوته ها و علف ها و بیست قدمی می رویم • اینک پیست دیدهبانی، یک مکعب بتونی در آغوش سنگ ها • برپایم لخت آن که همتراز پشت آفتاب سوخته تپه است گرد می آئیم • در گرم احمد علی، در آن سوی ره سرسبز و همواری که در پای ماگسترده است، رشته کوه های مرزی را نشان می دهد که در پوشش تنگ درختان مه آلود امتداد می یابد • می گوید: بقیه در صفحه ۴



خلق کامبوج در راه سازندگی

بوداشت بونج در ایالت کامونگ تونگ

بسیار کوتاهی است • با وجود این، هر روز از این هیجده ماه برای کامبوج که زعفر خاکستر سربر آورد، روز صلح و آزادی، روز کامبوج امید های تازه بود • ما ست • جمهوری خلق کامبوج علی رغم سایش و توطئه چینی های امپریالیسم نیروه های ارتجاعی در کارومبارز بصری برد • این جمهوری سرگرم رهنه دادن برزخها و جراحاتی است که در ورود سته • هوادار یکنی پل پوت - ینگ ساری برپیکرش نهاد • التیام این زخمهای هولناک مدت ها وقت لازم دارد • بقیه در صفحه ۵

از سرنگونی رژیم جنایتکار و ضد بشری پل پوت و پیروزی انقلاب خلقی کامبوج دیری نمی گذرد • خلق کامبوج نخستین سال - روز ستاورد های میهن پرستانه و انقلابی خود را اخیراً جشن گرفت • در موم سا برگشته این کشور شاهد سالگشت تشکیل جبهه متحد ملو برای نجات کامبوج بود • این جبهه رهبری مبارزه رهنهائی بخش ملی خلق کامبوج را بعهده داشت • نخستین سالگرد بنیانگذاری جمهوری خلق کامبوج اوایل امسال برگزار شد • یک سال و نیم از لحاظ تاریخی دوران

آنچه امام فرمود

سخنان تاریخی امام خمینی در یکشنبه هفته گذشته، به هنگام ملاقات اعضای شورای عالی قضائی از چرخش تازه ای در مسیر تکاملی انقلاب حکایت می کند و بی شک اثر بسیار مهمی در سرنوشت آئینده کشور و جامعه ما خواهد داشت •
این سخنان هنگامی ایراد می شود که کارمجلس شورای اسلامی رسمیت یافته است و جریان انتخابات نخست وزیر و معرفی اش به مجلس بهد شوازی بوظا هرا با کشا کشا هائی پیش می رود • و با زاین هنگامی است که توطئه بزرگ کودتاکشف و خنثی شد • ما ضربه روحی آن هنوز وسیعاً محسوس است • کارکرد ستان بهد رازا کشیده است و هر روز تنی چند از جوانان ما در مقابل باضد انقلاب به شهادت می رسند • بعد گذار بهای می خواهد فضای ناامنی ایجاد کند • در رمزهای غریب کشور، فتنه انگیزی و حملات نا جوان نمرد آنه مزدوران بعث عراق ادامه دارد • و در سراسر منطقه، در خلیج فارس و اقیانوس هند، در اسرائیل و مصر، در یانگا های عمان و بحرین و عربستان سعودی، در رکنیا و ترکیه و پاکستان، آمریکای نا رتگر تاجا و زبیشه با تأیید و یاری همد ستان اروپائی و ژاپنی و چینی خود سرپالائی ز سلاح گرد می آورد و حملات دیگری را، شاید برای آئینده ای نزدیکتر آنچه تصور رود، تدارک می بیند • در چنین احوال پرخطری، امام، با نظری سریع به کارکرد مجموعه ارکان حکومت انقلاب در یک سال و پنج ماه گذشته، به قوت و صراحت می فرماید:

"وقتی که مردم ست ماها افتاد، هیچکدام انقلابی عمل نکردیم" "ما یا مقصر هستیم، یا قاصر" •
و آنگاه از "بی تجربگی" یاران و کارگران انقلاب یاد می کند: "ما در سته بودیم • یک دستمان از آمد رسد آمد بودیم و وارد شد بودیم و یک دستمان از خارج آمد بودیم و وارد شده بودیم • نه ما آن تجربه انقلابی را داشتیم و نه آنها آن روح انقلابی را" • بقیه در صفحه ۸

فضانورد ویتنامی در سایوز ۳۷

در صفحه ۵

تقسیم سرزمینی جهان

بین دولتهای امپریالیستی و مبارزه برای بازتقسیم آن

مستعمرات بهنا به سرزمینهای تابع و فرمانبرداری خلی پیش از امپریالیسم سابقه دارد، چنانکه تاریخ برخی از آنها بقرنهای پانزده و شانزده مبارز میگردد • با اینهمه، مسئله مستعمرات در عصر امپریالیسم همیتی کاملاً متفاوت باگذشته دارد • نین از کوششهای ستایشگران بورژوازی رهنه اند جلوه دادن سیاست استعماری گذشته با سنی که توسط امپریالیسم دنبال می شود، پرده برداشت •

دگرگونیهائی ساسی در سیاست استعماری عصر امپریالیسم مبتنی بر این واقعیت است که در این لحظه تقسیم سرزمینی جهان به پایان رسیده و مبارزه برای بازتقسیم آن آغاز گردید • ما ست • این تغییرات در عین حال بیانگر این واقعیت است که نقش مستعمرات نسبت به دوران پیش از سرمایه داری انحصاری تغییر یافته است • بقیه در صفحه ۷

انحصارات به تقسیم اقتصاد جهان بین خود اکتفا نمی کنند • آنها با تحکیم فرمانروائی اقتصاد خود بر اساس وابستگی سیاسی و اداری کشورهای دیگریت خود را در تسلط بلامنازع بر این کشورها آشکار می سازند •
لنین در این باره می نویسد: "عصر سرمایه داری نوین بهما نشان می دهد که بین گروه بندی های سرمایه داری روابط معینی در زمینه تقسیم اقتصاد جهان و بنا بر این، به موازات آن بین گروه بندی های سیاسی و بین دولتهای روابطی در زمینه تقسیم سرزمینی جهان در زمینه مبارزه برای مستعمرات و مبارزه برای تحصیل سرزمینهای اقتصاد برقرار میشود" (لنین: آثار، جلد ۲۲ ص ۲۷۴) •

در هفته گذشته

هفته گذشته به رسمیت یافتن مجلس شورای اسلامی فعالیت ۱۸ ماهه شورای انقلاب پایان یافت •
در آستانه کار رسمی مجلس، امام خمینی رهبر انقلاب در برابر اعضای شورای عالی قضائی نطق شورا انگیزی ایراد کرد که برای سرنوشت انقلاب نقش تعیین کننده دارد • امام با ارزیابی دقیق مسائل دوران پس از انقلاب علت اساسی کند ی کارها و بیام جبران در زمینه های انقلابی را کارشنکی های "مصلحت اندیشان" دانستند که عامل محافظه کارانه خود بهد شمنان انقلاب فرصت دادند که چوب لای چرخها بگذارند و انقلاب را با انواع بحرانها اقتصاد - اجتماعی و سیاسی روبرو سازند •

تاکید امام بر ضرورت پاکسازی همه نهاد های دولتی و ادامه کار در آگاه های انقلاب بیانگر حساسیت اوضاع کنونی و خطرات جدی است که از ناحیه عناصر سازشکار متوجه انقلاب میگردد • امام با اشاره به عدم مطابعت مسئولین سازشکار در مقابل با عوامل ضد انقلاب و آزاد گذاشتن دست آنها در توطئه چینیها تصریح نمود:

بافالیت‌های سندیکایی زحمتکشان جهان آشنا شویم

درس دهم

مبارزه طبقات

مسئله اساسی

استثما سرمایه‌داری هرگز یک چیز را رضی و اتفاقی نبود بلکه یک چیز اساسی است.

در حقیقت، حتی در حالت تئوریک و نادیده گرفتن مگر امکان میدهند که نیروی کارش را تجدید نماید، نمیتوان آن را بنا بر تعریف قیمت خود کار دانست. مزد قیمت کار را مجسم نمی‌سازد. در چارچوب نظام سرمایه‌داری در هر وضع و حالتی ما باید که کار اضافی (اضافه ارزش سود) سروکار داریم. به عبارت دیگر استثمار سرمایه‌داری به سطح کم‌تر از "تکافوی" مزدها بستگی ندارد بلکه به سیستم مالکیت بر وسائل تولید بستگی دارد که کارگران را ناچار می‌سازد که نیروی کارشان را بفروشند.

روابطی که بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار در تولید (روابط تولید) برقرار می‌شود، روابط مسای نیست، بلکه روابط میان استثمار کارگر و استثمارشوند. مبارزه بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار از همین روابط سرچشمه می‌گیرد. در حقیقت، این روابط آنتا-گونیسم اصلی (تضاد آشتی‌ناپذیر) را تشکیل میدهند. این تضاد و تقابل و تقاضا که از استثمار سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرد، مبارزه طبقات نام دارد.

استثمار سرمایه‌داری و مبارزه اقتصادی

همانطور که قبلاً گفته شد، این استثمار از خود پایه نظام سرمایه‌داری

داری از مالکیت خصوصی، سرمایه‌داری و وسائل تولید و شیوه تولید سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرد.

سودهای سرمایه‌داران به مراتب زیاد تر از مزد بسیار نا زلسی است که بوسیله آن نیروی کار را می‌خرند و آن را با آهنگ کار بسیار شدید و مدت طولانی مورد استفاده قرار میدهند. به عکس کارگران که می‌گمانند منبع شان مزد است، همواره در تلاشند مزد بهتری در برابر نیروی کارشان بدست آورند و بهترین شرایط کار را برای خود تامین نمایند. همه این مطالبات باید از محل سودهای سرمایه‌داری تامین شود.

بنابراین، بین منافع اقتصادی طبقه کارگر و منافع طبقه سرمایه‌دار تضاد دائمی وجود دارد. مبارزه بین این دو طبقه از آنجا سرچشمه می‌گیرد.

این نخستین جنبه، جنبه اقتصادی مبارزه طبقات است.

وضعیت سرمایه‌داری و مبارزه سیاسی

طبقه سرمایه‌داران تنها در مناسبات اقتصادی طبقاتی فرمانروا و استثمارگر نیست، بلکه به موهبت دستگاه دولتی تحت اختیار خود و نیز به موهبت شکل‌بندی سیاسی زیر نظر ارتش سلطه سیاسی خود را برقرار می‌سازد. از آن هنگام، دولت بطور کلی برای حمایت از مواضع سرمایه‌داری در تمام مسائل مربوط به برخورد طبقاتی دخالت میکند.

بنابراین، مبارزه طبقات نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در زمینه سیاسی نیز کارگران و سرمایه‌داران را مقابل هم قرار میدهد. طبقه کارگر باید مبارزه را برای تامین آزادی و حقوق بیشتر علیه طبقه سرمایه‌دار که بنوبه خود میکوشد این حقوق را آزاد بهار محدود نماید، رهبری کند و سلطه بیش از پیش مطلق خود را برد و ملت برقرار سازد.

این یک جنبه دیگر، جنبه سیاسی مبارزه طبقات است.

مبارزه ایدئولوژیک

سرمایه‌داران برای حفظ و تحکیم فرمانروائی اقتصادی و سیاسی خود و منحرف کردن کارگران از مبارزه طبقات میکوشند اندیشه ناگزیری استثمار سرمایه‌داری را بی اعتبار سازند. آنها این کار را با وسائل متعدد نیرومند تربیتی، اطلاعاتی و تبلیغاتی تحت نظارت و اختیار خود سازمان میدهند.

بورژوازی برای افشاندن بذر آشفته‌فکری در وجود زحمتکشان و پراکند و سلختن و خلخاع کردن نشان دست به انتشار "تئوری" های رنگارنگ می‌زنند.

طبقه کارگر و سازمانهای وی نمیتوانند در برابر کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی بورژوازی ساکت بمانند. آنها باید لایح علمی و تجزیه خود را در برابر دغل کاربها، "تئوری" ها و تبلیغات بورژوازی قرار میدهند. بنابراین، در زمینه اندیشه‌ها نیز مبارزه عظیمی در جریان است.

این سومین جنبه، جنبه ایدئولوژیک مبارزه طبقاتی است.

مبارزه بغرنج شدت می‌یابد

بنابر آنچه تا کنون گفته شد این نتیجه بدست می‌آید که مسئله مبارزه طبقات که در سه عرصه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک انجام می‌گیرد، پدید می‌آید بغرنج است. این بغرنجی به تغییر تناسب نیروها بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار نیز مربوط میشود که شاخص آن اغتلائی جنبش کارگری و تعرض متقابل بورژوازی است.

در مجموع با رشد سرمایه‌داری، مبارزه طبقات شدت می‌گیرد و از چارچوب این یا آن کشور رمیگذرد و جنبه بین‌المللی پیدا می‌کند.



بقیه: خلق کامبوج

حدود سه میلیون از جمعیت کشوری یعنی بیش از نیمی از آن بدست رژیم پل پوت-ینگ ساری نابود شد. نخستین قربانیان رژیم تحصیل کرده‌های کشوری بودند. کارکنان اداری، مهندسان، تکنسین‌ها، کادرها، متخصصین کشاورزی، بهداشت عمومی، تعلیم و تربیت، هنرمندان و نویسندگان بدست پل پوتی‌ها سربسته شدند. بدین ترتیب از ۵۰۰ پزشک ۳۰ تن، از ۶۰۰ تحصیلکرده خارج ۸۵ تن، از ۲۲۵۰ بیریک تن و از ۱۱۰۰ دانشجو ۴۰ تن باقی ماند.

رژیم پل پوت اقتصاد فوق‌العاده عقیمانند کشور را بیش از پیش به افلاس کشید و در کام هرج و مرج بیسابقه فروبرد. در واقع شپسرازه صنعت، حمل و نقل و ارتباطات از هم گسسته شد. آزمايشگران "پل پوت که جمعیت شهر را جبراً به مناطق روستائی منتقل ساخته بودند، شهرها را به بیابانهای سنگی بدل کردند. وضع کشاورزی هم به وخامت گرائید. بعلت کشتار ریبیرحمانه میلیونها نفر انسان عده افرا شاغل زمینهای کشاورزی به شدت کاسته شد. استقرار "کمون" های پل پوتی در سراسر کشور و مناسبات کالائی و مالی و بدین ترتیب که زحمتکشان حق بهر مبرداری از ثمرات کار خود را داشته باشند، به فقر عمومی مردم منتهی شد. در روستاها، بذر حیوانات بارکش را بزارهای کشاورزی بطور فاجعه آمیز نایاب شد.

شورای انقلابی خلق کامبوج که در ژانویه ۱۹۷۹ قدرت را بدست گرفت عملاً میبایست همه چیز را از صفر آغاز کند. میهن پرستان کامبوج

برای احیای کشور با مشکلات فراوانی روبرو بودند و هنوز هم دشواریهای عظیمی گریبانگیر آنها است. به همین علت دستاوردهای حکومت انقلابی در مدت کوتاهی در مبارزه برای احیای کشور اهمیت استثنائی دارد.

شورای انقلابی خلق کامبوج سراسر اراضی کشور را زیر نظر دارد و حاکمیت واقعی خلق در تمام کشور برقرار شده است. کمیته‌های اداری انقلابی خلق در روزهای اولت کشور استان پایتخت تعیین و تشکیل شده است. هم‌اکنون کار استقرار ارگانهای محلی حاکمیت (کمیته‌های خودگردان) در واحدها و بخشها - ها از راه انتخابات آزاد رویه پایان یافته است. شهرهای مردمی متروک جان تازه می‌گیرند و زندگی در آنها جریان می‌یابد. بیش از ۲۰۰۰۰ نفر در رینومپه پایتخت کامبوج سکون گزیدند. آنهاست که بالا جبار از موطن خود رانده شده بودند و با ربه زاد و بومشان باز میگرددند. مردم کامبوج که در دوران استبداد سیاه پل پوت در زیر بار بوس و وحشتناکی زندگی میکردند، با شور و هیجان از تصمیمات شورای انقلابی خلق کامبوج در زمینه‌های عدالتی کردن زندگی استقبال میکنند و خط مشی سیاسی رژیم نوین را مورد حمایت قرار میدهند.

نخستین پیروزیهای مردم رجبیه اقتصاد بدست آمد. دست‌موسساتی که مبرمترین نیازهای مردم را تامین میکنند، کار خود را از سر گرفته‌اند. در رینومپه کارخانه‌های ریسندگی، سیگار سازی، لاستیک سازی و کارخانه نوشابه‌های غیر الکلی و بارهاغازبکار کردند. مرکز برق و شبکه آبرسانی بکار افتاده - اند. زندگی اقتصاد در سایر شهرهای کشور احیا شده است. رفت و آمد بارها آهسته بین پایتخت و مین شهر بزرگ کامبوج - باتا میانگ و همچنین با بزرگترین بنسدر

کمپونگ سوم برقرار شد. دست‌کار تخلیه با رگشتی‌های خارجی یک لحظه قطع نمیشود. بیشتر جرادها مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. پرواز هواپیماها در خطوط هوائی منظم شده است. متخصصین ویتنامی به احیای شبکه حمل و نقل کامبوج کمک قابل ملاحظه‌ای میکنند. از زمان پیروزی انقلاب خلق، یعنی طی نهمه ویتنامی‌ها به برادران کامبوجی خود در ساختن و بندر، هفت جاده بزرگ، هفت پل رودخانه‌وسی طراد هکمل کردند.

مردم کار بدست کامبوج بهیاری حکومت انقلابی خود توانستند علیه رنم مشکلات عظیمی چون نبود بذر و حیوان با رکش و مساعد نبودن شرایط جوی در مناطق جنوبی، مرکز و شرق کشور بزرگوارند، برنج کشت نمایند و در میلیونها هکتار زمین به کشت محصولات غذای مبادرت کنند. شورای انقلابی خلق کامبوج برای آسان کردن وظایف بغرنجی که در عرصه کشاورزی مطرح است، دهقانان را به تشکیل گروه‌های کمکی متقابل در مدت بد ریاضی و در نراخوانده.

حکومت خلق به موهبت کوشش‌های عظیم خود موفق شده است در مبارزه با خطر گرسنگی نتایج متعدد دی‌به‌دست آورد. با وجود این، مساله تامین غذا برای مردم مهم چنان به صورت یک مساله حاد باقی‌ماند. کشورهای سوسیالیستی برادر در زمینه حمل این مساله کمکهای ذی‌قیمت و بی‌غرضانه‌ای به این جمهوری جوان مبدول میدارند. آذوقه‌های که آنها در ریناد رکشور تخلیه میکنند، از اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری سوسیالیستی ویتنام و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی فرستاد میشوند. طبق تصمیم مقامات جمهوری خلق کامبوج این آذوقه‌ها مقدم بر همه بمنناطقی اختصاص می‌یابد که زیر

ضربه گرسنگی قرار گرفته‌اند. کمکد وستان نزدیک مردم کامبوج به مواد غذایی محدود نمی‌شود. همه روزه کشتی‌های از اتحاد شوروی، ویتنام و دیگر کشورهای سوسیالیستی با خود را در ریناد ریاضی کامپونگ سوم و یاد ریناد رودخانه‌های بنومپن تخلیه میکنند. محموله این کشتی‌ها، کامیون - ها و انواع دیگر وسایل حمل و نقل برای انتقال مواد غذایی، نفتی، منسوجات، کاغذ و صابون، وسایل مورد نیاز منزل و غیره به مناطقی عقب ماندند. دست‌هواپیماهای شوروی پیوسته در فرودگاه پوچنیگونگ فرود می‌آیند و بارهای ضروری مورد نیاز مردم: دارو، وسایل پزشکی و مواد غذایی برای کودکان و غیره را تخلیه می‌کنند. اتحاد شوروی، ویتنام و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی برای اغتلائی صنعت، حمل و نقل و کشاورزی به جمهوری خلق کامبوج کمک‌همه‌جانبه‌ای می‌نمایند. رهبری جدید کامبوج برای کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برادر را رچ فراوانی نائل است.

کامبوجی‌ها طی چهار سال استقرارتاریک‌اندیشی توسط رژیم پل پوت در چار فتر معنوی شدیدی شدند. در این مدت منتشر و انستیتوها بسته بودند و هیچ کتابی منتشر نمی‌شد. از این رو، اکنون سینماهای که در بنومپن و سایر شهرهای بزرگند و باره شروع به کار کردند. ملو از جمعیت است. کامبوجی - هائی که در دوران رژیم ضد خلقی لون نول و پل پوت بزرگگشته‌اند، برای اولین بار با فیلمهای شوروی آشنا می‌شوند. هنگامی که آسمان آوازها و رقص‌های ملی در تار ترمئی واقع در مرکز بنومپن به نمایش درمی‌آید، جمعیت برای دیدن آن هجوم می‌آورد.

بقیه در صفحه ۵

هوشنگ پورکریم

تحولات اجتماعی

در جامعه روستائی ایران از آغاز تا کنون (۱۲)

بقیه قسمت چهارم جامعه روستائی از عهد دولت های ماد و پارس تا انقراض ساسانیان



چنان که گفته شد، در عهد دولت ساسانی، کثرت را به صورت مالیات نقدی سرانه "خراگ" یا خراج را از اراضی زراعی و باغ و بیستان به صورت هائی شبیه "مزارع"، "مقاسمه"، "مساحت" و از این قبیل وصول میکردند. در عین حال، همانطور که از متون تاریخی استنباط شد، نحوه وصول خراج تا پادشاهی "قباد" به صورت جنسی و سببی از محصول ("مزارع" و "مقاسمه") بود. در این زمان که با جنبش مزدگاران داشت، در میزان خراج به سود زحمتکشان روستائی تعدیلی بوجود آمد. متعاقب آن، بنا به روایت "طبری" و "بلعی"، قصد بود که راجد خراج اصلاحاتی انجام دهند و آن را به صورت مقطوع و به حسب وسعت مزرعه یا باغ (یعنی بنا به شیوه های که بعداً "مساحت" نامیده شد) تعیین کنند. "قباد" کفاف نداد و این امر به عهد پادشاهی "خسرو نوشیروان" یعنی به زمانی موقوف شد که جنبش مزدگیان قلع و قمع شد. در زمان آنوشیروان خراج را به صورت نقدی و بر حسب "مساحت" وصول میکردند (۱). در خصوص این اصلاحات "گیرشمن" نوشت:

«... پیش از آنکه به نفع ملت باشد، به

سود خزانة بود...» (۲)

"گریستن سن" در همین خصوص نوشته است:

"... طرز جدید محققاً در عین اینکه برای

خزانة عایدی مضاعف ثابتی حاصل کرده

است باعث فراخی حال مردم نیز گردیده است

در دوره خلافت هم راجد خراج از مملکت

ایران به همین وضعه ها اقتدا کردند (۳).

"پتروشفسکی"، تحت عنوان "اصلاحات خسرو اول نوشیروان"، نوشته است:

"... یکی از کارهای اصلاح وضع مالیات

بود پیش از این "خراگ" (مالیات ارضی) به

گونه جنسی، یعنی سببی از محصول، دریافت

می شد. این سهم از پادشاهی محصول، بسته به

شرایط آب و هوایی کیفیت زمین زیر کشت و نزدیکی

زمین به شهرهای بازرگانی تعیین شد. در عهد

اکنون برای زمین میزان ثابتی مالیات تعیین

گردید و مقدار آن بدون وابستگی به گوناگونی هلی

نامبرگ، نقداً دریافت میگردد. از یک جریب

(۳۶۰۰ رنج مربع) زمین زیر کشت جو و گندم

سالیانه یک درهم و از یک جریب زمین زیر کشت

تاک ۸ درهم، از یک جریب یونجه ۷ درهم

در ریافت میگردد. به ازای شش اصله درخت

زیتون، شش اصله نخل عراقی، چهار اصله

نخل ایرانی و ده اصله درختهای میوه دیگر

سالیانه یک درهم گرفته می شد.

مالیات سرانه کثرت ویژه کلیه افراد صنف

مالیات دهند بود: از هر مردی (از ۲۰ تا ۵۰

ساله) بنا به وضع مالی او سالیانه ۸، ۶، ۴ یا ۱۲ درهم

گرفته می شد. ظاهراً پیش از اصلاحات، در راستای

هائی که از لحاظ اقتصاد عقب افتاده بودند،

مالیات جنسی اخذ می شد.

خسرو اول به خانواده های اشراف قدیمی

که در نتیجه جنبش مزدگیان به بیبنوائی گرائیده

بودند، کمک مالی می کرد. در عین حال، او علیه

اشرافی که در باره روش زورگویی راجد ریش گرفته

بودند واکنش نشان میداد...» (۴)

اما بهره کشی از زحمتکشان جامعه روستائی به همین جا محدود نمی شد. اشراف و ملاکان بزرگ ارضی، رعایا را در امری نظیر حفر قنات و نهر، آباد کردن اراضی با بیرونجنگی، ساختن خانه ها و کاخ و انبارها بیگاری می بردند و یاد در وقت لزوم آن را به صورت سرپا زپیا به مملکت جنگ های می کشانند. "گریستن سن"، در جایی، بقصد مقایسه احوال ساکنان شهرها و وضعیت روستائیان در عهد دولت ساسانی می نویسد:

"در هر حال، مردمان شهری نسبتاً وضع

خوبی داشتند. آنان همانند روستائیانی مالیات سرشماری میپرداختند (۵). ولی گویا از خدما نظامی معاف بودند و بوسیله صنعت و تجارت صاحب مال و جاه می شدند. اما احوال رعایا به مراتب از آنان بدتر بود. مادام که عمر مجبور بودند در همان قریه ساکن باشند و بیگاری و سایر خدمات را انجام دهند، بقول آمین مارسلن، "گروه گروه از این روستائیانی پیاده از بی سپاه می رفتند. گوئی ابدالد هر محکوم به عبودیت هستند. به هیچ وجه مزدی و پاداشی به آنان نمیدادند". بطور کلی قوانین برای حمایت روستائیانی مقررات بسیاری نداشت. در باب احوال رعایائی که در زیر اطاعت اشراف مالک بودند اطلاع بیشتری نداریم. "آمین مارسلن" گوید "اشراف مزبور خود را صاحب اختیار رجان غلامان و رعایای می دانستند". وضع رعایا در برابر اشراف ملاک به هیچ وجه با احوال غلامان تفاوتی نداشت. نمیدانیم که حکام پادشاه نسبت به اقطاعی که در قلمرو آنها بود، قدرتی داشته اند یا نه و آیا این اقطاعات دارای مصونیت تام یا نسبی بود. هاست یا اخیر. قدرتی که این رعایا گاه به دولت و گاه به اشراف، مالک و گاه به هر دو مالیات میدادند و مجبور بودند در رطل رایت ارباب خود به جنگ بروند (۶).

در این نقل قول، آن قسمت از نوشته "گریستن سن" راجع به اقطاعات و حکام دارند. آنها، در واقع اشاره است به سنت واگذاری اقطاع که از عهد دولت سلوکی بناگذاشته شد. همانطور که قبلاً گفته شد، بعد از آنکه تا اوان "عهد مشروطه" با تغییرات و شکلهای گوناگونی ادامه یافت. چنانکه از منابع تاریخی برمی آید، در عهد دولت ساسانی هم گاهی پادشاه اراضی تحت اختیار خود را که غالباً جنگ متصرف میشد، به ازای مستمری و پاداش، به گماشتگان لشگری و کشوری خود و یا به منسوبان خانواده سلطنتی واگذار میکرد. این واگذاری که در اقوال تاریخی (از جمله در "سیتا نامه" و "احصاء الصدور") "نان پاره" و "نان پارک" هم نامیده شده، ممکن بود موقتی و یا مادام العمر باشد و یا حتی جنبه موروثی پیدا کند و به اولاد گماشتگان منتقل شود. به هر صورت، در اراضی اقطاعی هم، وضع رعایا کم و بیش همان بود که در نقل قول فوق از "گریستن سن" توصیف شد.

بنظر میرسد که تا کنون بقدر امکان و تا آن حد که برای فهم ماهیت روابط تولید در جامعه روستائی عهد دولت ساسانی لازم است از وضعیت عمومی و طبقات عمده اجتماعی در آن جامعه موقعیت شان در برابر دولت صحبت شده و اطلاعاتی فراهم آمده است. بر اساس این اطلاعات، میتوان مسلم دانست که زحمتکشان جامعه روستائی در آن عهد یعنی رعایا که "واستریوشان" نامیده میشدند، از طریق انواع باج و خراج ارضی و مالیات بوسیله "دیهکانان"، ملاکان بزرگ، اشراف و حکام محلی، گماشتگان و دارندگان اقطاع و دولت حامی جناح حاکمه مستحرام می شدند. ولی در بیین محققانی که به تحلیل جامعه ایران عهد ساسانی پرداخته اند، راجع به ماهیت روابط تولید در آن عهد اتفاق نظر وجود ندارد. برخی این روابط را، در عین توجه به ویژگیهای متمایزکننده آن از لحاظ ماهیت همان روابط "فتودالی" در جوامع اروپائی قرون وسطی میدانند. برخی دیگر این ویژگیها را تا آن حد بسط میدهند و بقدری قوت میبخشند که به چیزی کاملاً مغایر با "فتودالیسم" تبدیل می شود. عده ای دیگر، با تحاشی از مضمون اقتصادی "فتودالیسم"، جامعه عهد ساسانی را طی سالهای عمده خود جامعه ای "ملوک الطوائفی" میدانند که در آن گاهی قدرت مرکزی و گاهی

قدرت اشراف و حکام محلی بر یکدیگر سبقت میگرفتند. در اینجا به اختصار خاطر نشان میکنیم که "فتودالیسم" از لحاظ تاریخی، صورت بندی اجتماعی - اقتصادی مابین سرمایه داری و واجد قوانین خاص تکاملی خود است. از خصوصیات بارز عمومی "فتودالیسم" یکی اینکه روابط اجتماعی تولید اسناد رحول اراضی منعقد میشود. زیرا این روابط بر اقتصاد مبتنی هستند که رشتی رشته های گوناگون تولید کشاورزی در آن غلبه دارد. دیگر این که تولید کنندگان یا رعایا، که حق تصرف و استفاد از اراضی را دارند، بخشی از حاصل کار خود را ناچارند به عنوان بهره مالکانه زمین بصورت انواع باج و خراج بپردازند. گاهی، بجای مالک یا مالکان، مراتبی بر خورد از حقوق مالکیت، به نحو ای از انحاء و بر حسب عرف در بهره مالکانه سهم میشوند. بر اساس این د و خصوصیت بارز است که خصوصیات نظیر وابستگی رعایا به اراضی، مراتب انقیاد "ارباب - رعیتی"، رجحان اقتصاد طبیعی "یا" بسته - علی ان خصوص در آغاز - بر اقتصاد متکی به مبادله و خصوصیات دیگر در این یا آن جامعه فتودالی و در مراحل تکاملی اش بروز میکند. چنین خصوصیتی ممکن است در همان کشورهای گاه در یک کشور برای همه مناطق آن حتی در یک زمان معین همسان نباشد. چنانکه در ایران عهد ساسانی، وابستگی قانونی رعایا به اراضی، آنطور که در مورد "سرو" هاد را رویا دیده شد وجود نداشت. در هیچ یک از متون تاریخی ذکر از قوانینی که رعایا را ملزم به کارمادام العمر در این یا آن مزرعه کرده باشد دیده نشده است. ولی در عمل، و به علت انواع الزامات، رعایا غالباً مجبور به دادن بهره منقذ و زندقگی محنت بار در اراضی ملاکان بودند.

اماد در خصوص نظام ولتی "ملوک الطوائفی" در عهد ساسانی، که برخی آن را به مثابه پرده استتاری بر صورت بندی اجتماعی - اقتصادی "فتودالیسم" بکار میبرند، باید گفت که وجود "ملوک الطوائفی" با وجود "فتودالیسم" مغایرتی ندارد و چه بسا که این نظام ولتی از لحاظی برای جامعه فتودالی مناسبترین روبنای سیاسی باشد. چنانکه در تمام دوره طولانی بقای "فتودالیسم" در ایران، نظام ولتی "ملوک الطوائفی" گاه با رجحان قدرت مرکزی و گاه با رجحان قدرت اشراف و حکام محلی و دام داشت. از جمله اینکه در اواخر عهد ساسانی تناسب بین این دو به سود قدرت حکام در ایالات کشور و به زیان قدرت مرکزی تغییر کرده بود.

"... استقلال ولایات و ایالات و پراکندگی نتیجه جریان کناییش کشور به سوی فتودالیسم و تجلی تمایلات گریز از مرکز در اعیان و بزرگان عمده بوده است. این جریان قدرت مرکزی را تضعیف نمود. قبضه قدرت به وسیله بعضی از نمایندگان اعیان و سرداران پدید آمده عادی گشته بود. ایران قطعاً قطعاً شده و ضعیف نمی توانست در برابر فتنه و حمله سخت تا زیان پایداری کند." (۷)

ادامه دارد

- ۱- تاریخ بلعی، با تصحیح بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی از انتشارات کتابفروشی زوار، جلد دوم، صفحات ۱۰۴ تا ۱۰۴۶.
- ۲- "گیرشمن": "ایران از آغاز تا اسلام"، ترجمه دکتر محمد معین از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۹ صفحه ۴۱۴.
- ۳- "گریستن سن": "وضع ملت و ساسانیان"، ترجمه مجتبی مینوی از نشریات کمیسیون معارف، مطبعه مجلس، تهران ۱۳۱۴ صفحه ۸۴.
- ۴- "تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز"، ترجمه کیخسرو کشاورز از انتشارات پویش، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۹، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.
- ۵- حاشیه از "گریستن سن": "فقط نجبا و بزرگان و سرایان و روحانیون و دیران و سایر اشخاصی که در خدمت شاه بودند از پرداخت مالیات سرشماری معاف بودند (طبری ص ۹۶). تلذ که ص ۲۴۶). این مطلب راجع است به احکام خسرو اول در سبب وضع مالیات ولیکن گمان می رود که در این خصوص قبل از اصلاحات خسرو نیز تقریباً حال همین منوال بود باشد.
- ۶- "گریستن سن": "ایران در زمان ساسانیان"، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ۱۳۱۷، صفحات ۲۲۵ و ۲۲۶.
- ۷- "تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی"، ترجمه کریم کشاورز، از انتشارات پیا، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۳، ص ۱۱۹.

بقیه : گواهی چشم و گوش

" راهزنان ضد انقلاب ، آنجا ، لابلای سنگها و بیشه ها کین زد هاند . تا همین چند ی پیش می آمدند و روستائیان را ، با تهدید ، کشتن و تجا و زبده ختران و زنان و سوختن خانه و خرمن ، با خسود ن بردند . کسانی را هم که از رفتن سر بایزیدند ، بیرحمانه از پساد ر آوردند . اما بیشترین کینه شان به افراد حزبی و آموزگاران بود که ه انواع شکنجه می کشتند . ولی دیگر آن زمان گذشت . سربازان گروه مقاومت محلی دست در دست هم ، اینجا محکم ایستاد هاند . آماد ه سرکوب هرد ستبرد ضد انقلاب هستند . مردم هم از ما شتیبانی میکنند ، زیرا میدانند که ما جان خود مان را برای حفظ ندگی و ناموس شان فدا می کنیم . " — و یاد دست چریکهای مندیل ه سزراکه ، پیرو جوان و نوجوان ، تفنگ بردوش ایستاده یاد ر نت و آمدند نشان می دهد : " ببینید اینها همه شان اهل نغین محل هستند . "

برخی از همراهان پرسشهایی دارند که جواب میشوند . برخو ، یگر هم سخنانی در همدردی با انقلاب مردم مزحمتکش افغانستان می گویند و با سپاسگزارید و ستان افغانی رو برو میشوند .
دربار گذشت از تپه متون ، در ماشین با درگرم احمد علی نشسته . م ۱۰ از گروه مقاومت که در سخنانش بدان اشاره کرد مبود می پرسم . می گوید :

" به ابتکار خود مردم مبود هاست . البته ، ما هم تشویق شان می کنیم ، تعلیم شان مید هیم و سلاح در اختیار شان می گذ رایم . " " گروههایی نظیر همین آیا در جاها ید یگر هست ؟ " " بله ، ابتکار رسود مندیل بود هاست و گسترش پیدا می کند . " " به یاد " سپاه پاسداران انقلاب " خود مان می افتم . می گویم : " آیا به فکریک سازمان سراسری با فرماندهی واحد برایشان مستید ؟ "

هنوز نه ، زود است . ولی طبعاً کار به آنجا خواهد کشید . " در ریایان باز دید امروز ، به بازار خوست می رویم . خیایانی ه چند آن در راز و در وسوی آن ، ردیف دکانهها با دروچار چوب و فسه تختهای انباشته به کالا ، — جای وقتند و قماش د یک افزار لومینومی ، کفش و سبد و حصیر ، راد یو و چرخ و چراغ زاپنی ، انواع یوه و سبزی و خیار و هوند وانه ...

آفتاب سوزان سه و نیم بعد از ظهر . گاه ، از میان درختان اغهای نزد یک ، نسیمی به نوازش بر ما می گذرد و بار دیگر به هرم عوای تفته مان می سپارد . ورود ما شین ها به بازار رو بیاد هشدن گروهی نجاه شصت نفری در میان گرد و خاکی که به هوا بلند می شود ، جنب و جوشی در فروروشدگان خواب زده و در رهگذران برمی — نگیزد . سرک می کشند و جمع می شوند . چهره های مردانه و آفتاب — سوخته افغانی . و در آن میان ، گاه یکی در تن با موهای خرمایی و چشم آبی . در رنگا هه هه شان صلابتی هست ، بی نشان از بید — خواهی . آسان به سخن می آیند و آسان می خندند . انبوهی از چمه های دست و رو نشسته به لای مردان را مبارزی کنند و خود را به مای رسانند ، — با برهنه و پرنشاط ، موها سیاه مانند قیر ، نگاهها رخسند ه و کنجکا و . حتی یک زن یاد ختر نمی بینم . کجا هستند ؟ از پسری می پرسم آیا به مدرسه می رود ؟ می گوید ، " ها . " " کد ام کلاس ؟ "

نمی فهمد . مهماندار افغانی به کمک می آید : " صنف چندم ؟ " " چهارم " " چند سال داری ؟ " " یازده سال " — زبه من و بچه های دیگر که به تماشا ایستاده اند لبخند می زند . گوئی به خود می بالد . به سراغ پارچه فروشی می روم و سلام می کنم . دکانگی تنگ در دهنه بازار . مرد نزدیک پنجاه سال دارد ، باریک و بلند . نباید چند آن دستمایه اید داشته باشد . " کاروکسبت چه طور است ، پدر ؟ " " شکر خدا ، خوب است . " " امن و آسایش هست ؟ " " شکر خدا . " " امروز بهتر است یاد بیروز ؟ " " خدا بخواد ، هر روز بهتر می شود . " حتی یک جمله شای نام خدا او یاد خد نیست . قدم زنان و گفتگوکنان ، سرتا سر راسته بازار را می پیما ئیم . در برین ها چیک و چیک عکس می گیرند . وقت تنگ است . ماشین ها آمد هاند . سوار می شویم و به قصد میدان هوا پیمائی به راه می افتیم . جاده های پیچ در پیچ ، در سایه

سبزد رختان . جیبی از روبروی رسد و نگه می دارد . سربازی شتابان می آید و خبر می دهد که هوا شناسی پیش بینی طوفان می کند ، شاید نتوان پرواز کرد . فرمانده یادگان با اشاره دست مرخص می کند و دستور حرکت می دهد .

در حاشیه میدان ، در سایه ساختمانی آجری یک طبقه و خاک گرفته ، جمع می شویم . می گویند که باید ساعتی صبر کنیم . هوا گرم است و بی حرکت . تشنه ایم . کوزه های آورند و کاسه های کسه دست به دست می گردد . آب ولرم طعم خاک دارد . یاکی نیست . می نوشیم و منت داریم . اما تشنگی بر جاست .



تپه متون — بیست و چند کیلومتری مرز پاکستان به ابتکار ریابه اشاره چه کسی ، نمی دانم . میتینگ کوچکی همانجا در می گیرد . سخنرانی هائی کوتاه ، بی تکلف ، برخاسته از صمیم دل . منشی کمیته محلی خوست ، جوانی لاغر با چهره های خاکی که جابه جالکهای کم رنگ آبله بر آن است ، بویژه از انقلاب در د و کشور همسایه و از برادر ری و ملت ایران و افغان یاد می کند و پیروزی هرد و راد ریبکار با جهانبخواران آمریکائی و دست — نشاندها نشان در منطقه خواستار می شود . پس زاو ، نمایند ه سازمان صلح و همبستگی سراسر هند ، مردی بلند بالا و تنومند .



گفتگو با مردم بازار خوست سیه چرده ، با صدائی درشت و شکسته ، در باره رسانه های گروهی غرب و سیلاب گندیده تبلیغات دروغ شان سخن می گوید . آنچه از آن در یاد مانده هاست ، کم و بیش چنین است : " با آنکه من به تجربه یک عمر برچند و چون تبلیغات جهان سرمایه آگهی دارم ، باز تا زمانی که به اینجانام مبودم ، گاه و دلی وحیرت به من دست می داد : نکند که حتی یک صد م آنچه می — گویند راست باشد ! ولی آمد مودم . تبلیغاتشان ، صد درصد نه ، هزار درصد دروغ است ! "



بازار خوست همه کف می زنند و می خندند ، و او خود بیش از همه ، با تمامی دند انهای سفید ش که در آن چهره سیاه به چشم می زند . نه ! انتظار ریبهود هاست . هوا شناسی اجازه پرواز نمی دهد . به محل فرماندهی هنگ بر می گردیم . در تالارد رون ساختمان ، با آنکه پنجره ها از د و سویا زاست ، هوا گرم و مکرده هاست . بیرون ، باز گرم تر . جای سبزی آورند ، کم رنگ ، خام و منکشیده . سرمی کشم ، و بازیکی دیگر . بس تشنه ام .

پس از نیم ساعتی ، برای سرگرمی مهمانان ، چهار مرد با طبل و هارمونیم و ریاب می آیند و در وسط بر زمین قالی فرش می نشینند . آهنگی در د مند سرمی دهند و جوانی بلند قامت و خوش صورت ، که اگر اشتبا هنکنم زیرا برور برد اشتهاست ، ایستاده چیزی می خواند . می شنوم که اشعار انقلابی است ، در نکوهش ریابان و ترغیب زحمتکشان به مبارزه برای زمین و کار . بسیار خوب . وقت می گذرد ، نه چندان به ملالت .

نوازندگان به پایان برنامه شان می رسند و می روند . دیگر تاب نمی توان آورد . بیرون می آییم و ریابان ورودی ، ساختمان قدم می زیم . دیگران هم اینجا و آنجا ایستاده با برلبه سکوی سمت راست روی سنگهای ناهموار نشستند . گروهی گرد یک رادیوی بزرگ دستی جمع شده اند و با بی صبری از این ایستگاه به ایستگاه دیگر می آورند . هرا ز چند ی ، تکپا ره های گفتا رفه و نامفهوم به دری و عربی و انگلیسی ، یا به هندی وارد و ، ناگهان از بلند گسوار ه می زند . سوت و عریده و فریاد فلز گونیمک دم به نغمه های دلنشین راه می دهد و با ز سرکوبش می کند . افسوس !

لی وان سائو ، نایب رئیس کمیته راد یوتلوویزیون ویتنام مود یر — کل تلویزیون مرکزی که همچنین نایب رئیس کمیته ویتنامی همبستگی با ملت های آفریقا و آسیاست ، کوتاه و کمی فربه ولی چابک ، از من می خواهد که اوضاع کنونی ایران را برایش تحلیل کنم . بر لبه سکوی گل کاری که درخت توتی هم ، باریک و جوان ، بر آن سایه می افکند ، کنارش می نشینم و از انقلاب ایران و از نیروهای انقلابی و تجربه بزرگ تود ه های مستضعف در این یک سال و چند ما برای ش حکایت می کنم . به دقت گوش می دهد و نکته به نکته توضیح می خواهد . این ویتنامی رزم ید که ، به قیاس میلیونها قربانی ملتش در راه حفظ استقلال و پیروزی بر آمریکا جنایتکار ، بخوبی می داند که در افتادن با چنان د زند های نیاز به چه نیروی بزرگی از ایمان و پایداری و یکپارچگی دارد ، اگر اشتبا منکم ، بیش از برخی از هم میهنان مان نگران انقلاب ایران است . گفتگوی ما گل می اندازد . دود و دست فرانسوی و بلژیکی نیز به مای پیوندند . وقت می گذرد . یکی از همراهان ماکه به شهر رفته بود با یک پاکت آلوی سرخ می آید و به هر یک از ما یکی می دهد . با چه لذتی گامی زیم ! مزه — ترش و شیرینش چه خوب رفع تشنگی می کند . بهتر از چند فنجان چای تود ه های ابرکمد ر آسمان انباشته می شوند . هوا روبه تاریکی می نهد . امشب اینجانام ندنی شدیم . ناگهان باران تند ی در می گیرد . به بالای پله های ورودی پناه می برم . قطره های درشت پاچه های شلوارم را خیس می کند . با این همه ، دلم نمی خواهد به درون تالار بروم . هوا اینجا تا زهوجان بخش است .

باران ، همانگونه ناگهان کمد ر گرفته بود ، بند می آید . از نه چیزی گذشته است . میزبانان بی شک در تارک شام اند . به درون می روم و جائی می نشینم . خلبانان هوا پیمای ما با خانهای مهمانندار می آیند و در گوشه های کنار فرمانده ه هنگ جامی گیرند . به یگر هیج امید نیست . آیا شب در رهمن تالار باید خفت ؟ نه . پس از شام ما راد ستده سته به خانه های سازمانی هنگ می برند . آنجا تخت خوابهای آماد ه مکرده هاند . در باران شلاق کش که تا نزدیکی های صبح می بارد ، خواب خوشی در پناه سقف می کنیم . تا فردا چه پیش آید .



یلدا

گرد آمدیم :

شجره ای بود و آتشی ،

گفت و شنید و قصه و نقلی ز سیر و گشت ...

وقتی که بر شکفت گل هندی وانه سرخ

د ر اوج سرگذشت

یلدا ، شب بلند ، شب بی ستارگی

لختی به تن طپید و به هم رفت و در رشکست

با خانه می شد یم که گرد سپید دم

بر بام می نشست

سیاوش کسرائی

بقیه خلق کامبوج

دولت خلقی برای احیای سیستم آموزشی کوشش‌های تهرمانا نمای می‌دهد. اول می‌دهد ارد. علی رغم کمبود جا و لوازم آموزشی در رات - سپتامبر ۱۹۷۹ بیش از ۵۰۰۰۰ آگود که نیمی از آنها یتیم‌اند، بهمد رسه‌ها می‌افتند.

د رسال گذشته د واحد شه بسزرگ در زندگی سیاسی کامبوج بوقوع پیوست. این د و خاد نه برای تحکیم ستاورد های انقلاب خمر و پیشرفت کشور در راه نوزاد ملی و ساختمان زندگی نوین اهمیت اساسی داشته است.

از ۱۲۵ تا ۱۲۵ اوت گذشته د رینوم پنه‌اد رسی عمومی علیه پل پوت وینگ ساری بر اساس اسناد و مدارک بی‌شمار، کواهی‌ها شاهدان عینی، دلایل ماندنی و تاریخ بازید از زندان‌ها، ارد و گاه‌های متمرکز و مدفن قربانیان ترور بر گزار شد. محکمه انقلابی د هیران رژیم سرنگون شد. راه جرم جنایات بکار د هنده علیه خلق کامبوج محکوم کرد. دادگاه این جنایات را تان کشی: کشتار منظم بنگاهان، اخراج سکنه، شهرها و روستا - ها، ایجاد ارد و گاه‌های متمرکز کارهای اجباری، بی‌سازمان کردن ساختار اقتصاد د کشور، نابود کردن کشاورزی و تحریر مناسبات خانوادگی توصیف کرد. دادگاه د و جنایتکار مذکور را غیبا با بهرگ محکوم کرد و به جستجو و توقیف آنها رای داد.

مردم از این حکم عادلانه عمیقاً خشنود شدند. امروز مشکل بتوان کسی را د کامبوج یافت که با خشم و نفرت از پل پوت وینگ ساری یاد نکند. این حکم برای میلیون‌ها کامبوجی بی‌مضای این است که د بگر نکت و با رژیم گذشته تکرار نخواهد شد. وظلمت و بربریت قز و سظائی د رقرن بیستم جانی ند ارد و کشور راه رشد آزاد و د مکر تیک راد ریش خواهد گرفت بر گزار د و مین کنگره جنبه متحد ملی برای نجات کامبوج د ۲۹ و ۳۰ سپتامبر گذشته رینوم پنه‌ان به با رزی از بی‌سوستگی خلق کامبوج بیرامون جنبه و شورای انقلابی حاقی بود. است کنگره فعالیت جنبه متحد ملی برای نجات کامبوج و شورای انقلابی خلق کامبوج راد رژیمه زد و د نا ر حکومت پل پوت

تراز بندی نمود و خطوط مهم رشد سیاسی، اقتصاد و اجتماعی کشور را معین ساخت. نمایندگان کنگره، کمیته مرکزی جدید جبهه را انتخاب نمود. یاد آوری این نکته جالب است که ترکیب کمیته مرکزی جبهه به نحوی است که علاوه بر انقلابیون قدیمی، تعداد زیادی از افراد ی را که به این یاد لیل پس از پیروزی به انقلاب پیوسته‌اند، د بر میگردد. د میان آنان نمایندگانی از روشنفکران، روحانیان بودائی، اقلیت‌های ملی و خانواد همسای قدیمی سلطنتی که د معرض ترور رژیم پل پوت قرار گرفته بودند، د ید می‌شوند. طیف سیاسی و اجتماعی نیروهای که جبهه‌ها را گنجانید، آن را تشکیل میدهد، توسعه می‌یابد. این واقعیت شاخص بهترین نمونه وحدت عظیم ملی و خصصت واقعا خلقی د ولت جدید است. کارهای کنگره و نتایج آن اعتلای د اوم نقش سیاسی و تأثیر جبهه‌ها و سازمان‌های آن را، که نتیجه با آفرینی سند یکاها، قدراسیون - های جوانان، زنان و غیره است، د ر حیات کشور ثابت میکند.

رهبران خلق کامبوج باید کشور رنج - د ید نشان را علیه راد و کشی شد ید امپریا - لیسم ارتجاع بین‌المللی و رهبران چین علیه این جمهوری جوان به ساحل نجات برسانند. این کار را از راد رجعات مختلف صورت میگردد. عمدترین آن منفرد ساختن جمهوری خلق کامبوج د ر عرصه جهانی و مانعت از شناسائی آن از حیث حقوق بین‌المللی است.

وا شننگین و یکن علیه راد و کشی شورای انقلابی خلق کامبوج د میان مردم با استفاده از ماشین رای د رسا زمان ملل متحد توانسته‌اند کرسی نمایندگی این کشور را برای رژیم خونخواه پل پوت و ینگ ساری که د ر افکار عمومی جهان به عنوان قاتلین خلق محکوم شد، د اند، حفظ نمایند.

د شمان سوگند خورد: «خلق کامبوج علاوه بر قهرمانان نگیری د رسا زمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، جنگ روانی و ایدئولوژیک افسار گسیخته علیه خلق کامبوج به راه انداخته‌اند. د مطبوعات پکن و روزنامه‌های غرب افسانه‌های زیادی د ر باره جمهوری جوان کامبوج یافته‌شود. یکی از ابر

افسانه‌های نفرت انگیز جنجال د رید. «اره» گرسنگی تود های د ر کامبوج و «انقراض نسل کامبوجی‌ها» است.

د ر واقع، مساله تغذیه د ر کامبوج وخیم است. این سوغات از چهار سال بربریت رژیم ضد خلقی به یادگار مانده است. اما همانطور که رهبران خلق بکرات اعلام داشته‌اند و نیز به گفته آنهاست که از این کشور یاد زد کرد هاند به موهبت کوشش‌های شورای انقلابی خلق و کمک پربهای د و نتهای براد رهبر چکس از گرسنگی نبرد است. البته جانی که وضعیت واقعا جدی است و همواره خطر گرسنگی و اپیدمی وجود د ارد، نقاط مرزی کامبوج و تایلند است. نیروهای پل پوت بهرورد هها هزار کامبوجی صلحد وست را از زاد بوم خود آواره کردند.

واقعیات نشان میدهند که جا روح جنجال پیرامون «گرسنگی تود های» از سوی محافظان معینی د امن زد می‌شود و یکی عاری از انگیزه - های خیرخواهانه و بشردوستانه است. این مانورها بخاطر این است که وا شننگین و یکن د ر زیر پوشش کمک به «گرسنگان کامبوجی» د ارد سته پل پوت را از حیث آذوقه و تسلیحات تقویت نمایند و ید پیمان به مداخله خود د ر کامبوج جنبه بین‌المللی و قانونی بدهند. پس د ر اینجا، گفتگوا زد امپشرد وستنی است؟ د قیقا این باند های پل پوت هستند که با آتش ر د ن خرمن‌ها و تخریب مزارع و کشتان اجباری د هقانان به صوف خود کشاورزی را نابود می‌سازند و د ر نتیجه باعث گرسنگی مردم می‌شوند. هر نوع کمک به این جنایتکاران سگ د ر برار بر حل مساله تغذیه است و ررنجهای مردم کامبوج را بیش از پیش شدت میدهد.

جهت د یگر کارزار خصمانه علیه خلق کامبوج تحریک محافظان ارتجاعی مهاجر کامبوج است: حد اقل سه جنبه آزاد ملی، موهوم بود و حکومت د ر تبعید به رهبری خائنین رنگارنگ و دست نشاندهگان امپریا - لیسم د ر خارج از کشور به وجود آمده است. محافظان امپریالیستی و رهبران یکن مخصوصا روی سیه‌ها نوك حساب میکنند. آنها می‌گویند او را به عنوان يك شخصیت مناسب برای «راجل سیاسی» مورد نظریان به جمهوری

جوان کامبوج تحمیل کنند. از نوامبر گذشته و به د وره گردید ر کشور های غربی پرد اخته تلاش میکنند زیر پرچم «میهن پرستی» همه کسانی را که د ر و ره‌های مختلف از کامبوج مهاجرت کرده‌اند و کسانی را که با انقلاب خلق د ر کشور وسعت گیری سوسیالیستی آن مخالفت - اند، بد و ر خود جمع کنند. سیه‌ها نوك د ر تلافی است که پشتیبانی و کمک مالی نیروهای امپریالیستی را جلب کند و جنگ صلیبی بر ضد جمهوری خلقی کامبوج به راه اندازد. د ر باره سیه‌ها نوك و فعالیت کنونی وی بجاست این سوال مطرح شود: چگونه مردم که به د ارد سته پل پوت اجازت داد میلیون‌ها کامبوجی را نابود سازد و اکنون برای متوقف ساختن کامبوج از پیشرفت د راه جوائی ملی و سازندگی صلح آمیز کشور به سازیکن میرقصد میتواند خود را میهن پرست معرفی کند؟

تلاش‌های امپریالیسم و ارتجاع د ر متوقف ساختن پیشرفت انقلاب کامبوج ناکام مانده است. سیاست صلح، استقلال و دمکراسی جمهوری جوان کامبوج د ر صحنه بین‌المللی بیش از پیش شهرت می‌یابد. بیش از سی کشور و تعداد معینی از جنبش‌های رها تیبخش ملی جمهوری خلق کامبوج را به رسمیت شناخته‌اند.

شناسائی این د ولت انقلابی از جانب هند، علیه تبلیغات زهر آگین امپریالیسم جهانی و د رسا آن آمریکا و هم پیمانان یکنی وی با زتاب عمیق د رسا، سرجهان داشته است.

خلق کامبوج با برخورد آری زکلمت بی - د ریغ و براد رانه کشورهای سوسیالیستی و د ر آستان اتحاد شوروی و د یگر کشورهای صلحد وست جهان د راه زد و د ن قطعی آثار شومد برین سه سال استعمار و خرابکاریهای رژیم خونبار پل پوت - ینگ ساری با کامهای استوار ریش می‌رود. هیچ نیروی د ر جهان قاد ریست خلق کامبوج را از راهی که انتخاب کرده است، منحرف سازد.



فضانورد ویتنامی

هفته گذشته کشتی فضائی سایوز ۲۷ برای بیست و هشتاد و شش ساعت و شش روز و فضانورد ویتنامی تکوفضا نورد شوروی و فنان توان فضا نورد جمهوری سوسیالیستی ویتنام به فضا پرتاب شد. این د فضا نورد برای بیست و شش ساعت فضائی خود به ساعت مداری ۶۰ کیلومتر ارتفاع مبرنج است باید کارهای زیاد ای انجام دهند. پرتاب این سفینه د ر چارچوب ۲ پینتر کا مونس برنامم مشترک پژوهش‌های د کشور سوسیالیستی جهان انجام می‌گیرد.

د ر چارچوب این برنامه سفرهای فضائی متعدد د با همکار کشورهای سوسیالیستی صورت گرفته است. تاکنون علاوه بر فضانوردان و محققین شوروی، ولا د پیررنک از چکسلواکی، میروسلاوه و هارما شفکسکی از لهستان، زیگموند بین از جمهوری د مکر تیک آلمان، گورکی ایوانف از بلغارستان و برنلان کاراکاز از مجارستان د ر آزما یشگاه مداری ساعت ۶ به تحقیق و آزما یش برداخته‌اند.

آزمایشگاه مداری ساعت ۶ بیش از ۳ سال است که د فضا پروا میکند. د رایمن آزمایشگاه د ما کیپ آزمایش‌های انجام داد هاند و اکنون نئونید پاپوف و وانری زینوین د فضا نورد شوروی د و چهار ماه است که د ر این آزمایشگاه مشغول کارند. اکنون باز د همین اکیپ شوروی ویتنامی به فضا فرستاد هشدند.

ویکتور گوربا تکوفضا نورد شوروی ۴۵ سال د ارد و سومین بار است که سفر فضائی خود را انجام میدهد.

فان توان نخستین فضا نورد ویتنامی ۳۳ سال د ارد و د ر قصبه کوتوان د رایانست تایی د ر یک خانواد ه هقانی چشم‌بسته جهان گشود هاست و پس از یان د بیرستان د اخل ارتش ویتنام شد و آموزشگاه د خلبانی را انجام داد و خلبان نظامی شد. فان توان به پاس خدمات خود د ر د قع تجا و ز آمریکا به د ریافت لقب قهرمان جمهوری سوسیالیستی ویتنام مفتخر شد هاست. او سرنگ د وم نیروی هوائی ویتنام است. فان توان د ر مرکز فضا نورد شوروی د و ره آموزش فضائی را گذراند هاست. او متاهل است و یک د ختر چهار ساله د ارد. فان توان بیش از پروا آزما یگاه فضائی

با یکنور شوروی به خبرنگاران گفت: «یقین د ارم که این سفر فضائی برای همه کشورهای سوسیالیستی و برای پیشرفت دانش جهانی اهمیت زیاد ای خواهد داشت. زیرا که این سفر فضائی امکان خواهد داد اسرار جدیدی از فضا ی که پنهان گشود و مردم ماکره زمین و د نیای اطراف ما بهتر آشنا شوند و دستاوردهای علم که پنهان نورد ی راد ر خد مت بشریت خواهد گذشت. سفرهای فضائی مستلزم هما هنگی کوشش‌های کشورهای سوسیالیستی و د یگر کشورها است. زیرا تشریک مساعی د ر این زمینه برای مکان پژوهش‌های که پنهان می‌افزاید و ید بین‌حویه سود همه بشریت تمام خواهد شد.»

لعاب از رخساره اش بریز!



شعری که د ر زیر می‌خوانید بند هائی است از یک منظومه بلند که سیاوش کسرائی، شاعر مردم رسال ۱۳۴۵ سرود ه. شاعر د ر آن دوران تاریک علیه روشنفکرانی که آمریکا را

قلبه‌گاه خود می‌دانستند و برایشان جاذبه داشت. پرد ه از رخسارش می‌گیرد و ایمن بهشت جانیکاران و سرما به را چنین توصیف می‌کند:

یکسرتام شب را جا رمیزند که آفتاب برآمد و آنگاه خورشیدی را که با گل پخته ساخته و بریام مغرب آویخته‌اند مینمایانند تا نمازگزاران مهر قبله روشنی را فراموش کنند.

کاکل خورشید شان به چنگ آر وبه یک سبلی لعاب از رخساره اش بریز! چه مایه کهکشان میرویم که ماد رخورشید هاست، و فرزند آرزو همواره از انسان بلند قامت تراست.

کارگران خارجی در

اقیانوس بوقرا رکود تحت الحمايه هاي پيشين بریتانیا و کشورهای آمریکا جنوبی نیز پذیرش مهاجران را محدود ساختند. در آن موقع کشورهای پیشرفته صنعتی اروپای باختری به عدد متراکم استخدا کنندگان نیروی کار مهاجر بدل شدند. کشورهای کم رشد اروپای جنوبی و کشورهای در راه رشد آفریقای شمالی، آفریقای منطقه حاره و حوزه کارائیب مهم ترین تهیه کنندگان نیروی کار برای آنها بودند.

در حال حاضر، در جمهوری فدرال آلمان تقریباً ۱/۹ میلیون نفر از زحمتکشان خارجی مشغول کارند. تعداد این مهاجران با اعضای خانواده شان از ۴ میلیون نفر متجاوز است (انگلستان ۷/۱ میلیون، فرانسه ۶/۱ میلیون سوئیس ۶/۱ میلیون و غیره). در کشورهای اروپای باختری سهیم کارگران خارجی بین ۱۰ و ۲۰ درصد تعداد کل نیروی کار در شاخه های متعدد در بسيا مهم اقتصاد است.

مهاجرت نیروی کار در زجهها رچوب اتحاد انحصارگرانه دولتی چنن جامعه اقتصادي اروپا خصلت مخصوصا سازمان یافته اي پيدا کرده است. ایجاد جامعه اقتصادي اروپا با شکل بندی با زامشترک نیروی کار (برای شهر - وند ان کشورهای عضو) و انعقاد موافقت نامه هائی با کشورهای ثالث در زمین توام بود. در است بین کشورهای عضو جامعه، ایالتی بزرگترین صاد رکننده نیروی کار است که ۲۰-۲۵٪ همه کارگران مهاجر در اقتصاد جامعه اقتصادي اروپا را تامين میکنند. (۷۰۰۰۰۰ ایالتیائی در فرانسه و بیش از ۴۰۰۰۰۰ نفر در جمهوری فدرال آلمان کار میکنند) ایرلند نیز صاد رکننده سنتی نیروی کار است (کافی است اشاره شود که تقریباً یک میلیون ایرلندی در انگلستان کار میکنند). کشورهای جامعه اقتصادي اروپا با تنظیم موافقت نامه هائی و جانیه کشورهای دیگر صد ها هزار اسپانیایی پرتغالی، یونانی، ترک، آفریقای، ساکنان منطقه کارائیب و غیره را پذیرفتند. مجموع کارگران مهاجر و اعضای خانواده هایشان در کشورهای جامعه اقتصادي بالغ بر ۱۰-۱۲ میلیون نفر است.

ایالات متحد هوانا د همیشه بزرگترین استخدا کنندگان نیروی کار خارجی هستند. هر سال در آمریکا ۳۷۰-۴۰۰ هزار نفر در کانا د پذیرفته میشوند. تعداد کارگران خارجی مقیم ایالات متحد ه آمریکا (بدون حساب کردن مهاجران مکزیک) بالغ بر ۴/۵ میلیون نفر است. هر سال بیش از ۱۰۰۰۰۰ مکزیکی برای اقامت و زندگی به ایالات متحد ه می آیند. علاوه بر این، صد ها هزار رسکنه مناطق مرزی مکزیک و کارگران فصلی این کشورها در ایالات متحد ه آمریکا کار میکنند. اقامت اغلب آنها در این کشور قانونی نیست. در مجموع شش میلیون مهاجر بصورت غیر قانونی در ایالات متحد ه وجود دارد. در این کشور چندین میلیون پورتوریکوئی کار روزندگی میکنند. طبق آمار وزارت کار ایالات متحد ه، تعداد مهاجران غیر قانونی مقیم آمریکا ۷-۱۰ میلیون نفر است.

نهضت مهاجرت نیروی کار در آمریکا جنوبی، آفریقا، جنوب شرقی آسیا و در این اواخر رشرق عربی د امنه وسیع یافته است. (چنانکه هم اکنون بیش از یک میلیون شهروند پاراگوئه و بولیوی در آرژانتین و ۷۰۰۰۰۰ کلیمبی در ونزوئلا و غیره کار میکنند.)

فعلیت مسئله مهاجرت نیروی کار در سرمایه داری تنها به خصلت تود های این پدید مربوط نمیشود، بلکه به ماهیت طفیلی ضد بشری سیستم استخدا سرمایه داری و جنب حد اکثر سود نیز مربوط میشود.

همانطور که نین نشان داد: دقیقاً این سرمایه داری است که "نوع ویژه ای از مهاجرت خلقها" مهاجرت تود های نیروی کار کشورهای عقبمانده اقتصادي به کشورهای پیشرفته را به وجود آورد. در است ۱۰۰ ساله اخیر نوزده گسه مهاجرت جمعیت خصلت صرفاً اقتصادي، تود های ومنظم پید ا کرد. توسط دولت تنظیم می شد. مغزهای ملی همه جا برای میلیونها مهاجر جویائی کار با زبود. لنین مینویسد: "سرمایه داری پیشرفته آنها را به زور به گرداب خود کشانید. هیچ شکی نیست که فقر فوق العاده افراد را به جلای وطن و امیدارد، سرمایه داری از ان به طریق بسیار شرم آور کارگران مهاجر را استخدا میکند" (و لنین آثار، ج ۱۹ ص ۴۸۸).

سرمایه داری معاصر میلیونها انسان را به نهضت مهاجرت سوق داد و آنها را به "بردگان جدید قرن بیستم" و موجودات حقیر بی بهره از کلیه حقوق انسانی تبدیل میکند. بررسی موضوع مهاجرت نیروی کار امکان مید هد که ما هیت این پدید ه که ناشی از تحکیم پایه های اقتصادي و سیاسی سلطه بورژوازی انحصاری است، روشن شود. مسائل مربوط به د مکراسی و حقوق بشر در توجدیگ مورد ارزیابی قرار گیرد.

عوامل اجتماعی سیاسی

مهاجرت نیروی کار

علت هائی که موجب مهاجرت نیروی کار در دنیای معاصر میشود تا اندازه ای متضاد به نظر میرسد. در ابتدا شاید این مسئله اشتباه به نظر آید که کشورهای که خود به طور دانه میلیونها بیکار دارند - وینا برلین، صاحب ذخیره های نیروی کارند - به زحمتکشان خارجی اجازت زبورد بکشورشان را بد هند. واقعیت نشان مید هد که ایالات متحد ه آمریکا، جمهوری فدرال آلمان، انگلستان و چندین کشور دیگر صنعتی پیشرفته سرمایه داری ترجیح مید هند که بیش از ۱۷ میلیون متقاضی کار داشته باشند و به اکثریت آنها اعانه بیکاری بد هند. ولی از نیروی کار میلیونها کارگر خارجی چشم نهوشند. سیاست کشورهای تهیه کننده نیروی کار از ان نیز در زمین بطور جدی اشتباه است. این کشورها که تا حد ودی پیشرفته اند و یاعمد تاکشور هائی هستند که به تا زگی از قید استعمار ره هائی یافته اند، خود با مسئله رشد سریع اقتصادي روبرو هستند و ناگزیر به نیروی کارشان نیاز مبرم دارند. صد ورا این نیروی قدرت صنعتی آنها آسیب میرساند و گرانیه ترین ثروت ملی شان - فعالترین نیروی کارشان - را به فنا مید هد.

علاقه دولتها و انحصارات کشورهای وارد کنند ه نیروی کار خارجی بدین خاطر است که آنها به شدت این کارگران را مورد استخدا قرار داد ه، مزد کمی به آنها می - پرد ازند و از حیث تامين اجتماعی، ساختن مسکن و تامين وسائل حفاظت هیچ تعهدی در برابر آنها ندارند. استفاد ه از نیروی کار خارجی برای انحصارات بسیار سود مند است، زیرا اکثریت عظیم آنها مرکب از کارگران

هستند که برای استخدا رسن "مطلوبی" دارند (چنانکه در جمهوری فدرال آلمان ۹۰٪ کارگران خارجی کمتر از ۴۵ سال دارند). بنا به قاعده کلی، این افراد به هر نوع شرایط کار تن مید هند به مندرت به خاطر بیعاری غیبت میکنند و تقریباً هرگز به طبیب مراجعه نمیکنند. در مجموع کارگران مهاجر معسندن زرخیزی برای بورژوازی انحصاری کشورهای وارد کنند ه نیروی کار خارجی بشمار میروند. تنها در فرانسه، کار کارگران خارجی ۱۶ تا ۱۸ میلیون فرانک درآمد داشته است. طبق ارزیابیهای سندیکا هاد درآمد هائی که از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ در نتیجه استخدا کارگران الجزایری در فرانسه بدست آمد از مبلغ کم اقتصادي فرانسه به الجزایر تراجا وز کرده است.

در جمهوری فدرال آلمان کار زحمتکشان مهاجر امکان داد که به مبلغ متوسط ۱۳ تا ۵ میلیار د مارک محصول اجتماعی تولید شود. لازمه یاد آوری است که کارگران خارجی بابت مالیات بردرآمد مجموعاً معادل ۱/۵ میلیارد مارک به دولت می پرد ازند و علاوه بر این، ۱/۵ تا ۲ میلیارد مارک سهم بیمه مید هند. در عوض، کارگران خارجی بابت وجوه بیمه به طور متوسط سالیا فقط ۱۲۰ میلیون مارک بدست می آورند. استخدا کارگران در موسسات اطریشی سالیا نه بیش از ۲۰ میلیار د شلینگ درآمد ایجاد می کند.

پس از جنگ د و م جهائی استخدا وسیع کارگران خارجی در شکوفائی اغلب کشورهای پیشرفته سرمایه داری سهم قابل ملاحظه ای داشته است. به عقیده بسیار ی از پژوهندگان خارجی این استخدا یکی از پایه های مهم "معجزه اقتصادي" در جمهوری فدرال آلمان سوئیس و کشورهای دیگر اروپای باختری بود. استخدا هم انطور که جمله فور چون ارگان محافظ اقتصادي آمریکا تاکید می کند، کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داری، در رجای نخست اروپای باختری "در دهه ۲۰ چنان به کار کارگران خارجی وابسته شد که کمزیرت ناگهانی آنها فاجعه آفرین بود".

به گواهی آمارهای متعدد، ایالات متحد آمریکا در بهره برداری از کارگران مهاجر سود فراوانی برد ه است. طبق ارزیابیهای دانشمندان آمریکا اقتصاد ایالات متحد ه از "رود خاریان" حتی در مواردی که مزد معمولی دریافت کنند سود مستقیم می برند. زیرا اکثریت آنها افراد کمتر از ۳۰ ساله اند و تربیت آنها تقریباً برای مقامات آمریکائی مفت تمام میشود. کارگران خارجی که میترسند کار خود را در آمریکا از دست بد هند به مزد ناچیز قانع هستند. به همین دلیل آنها از مراجعه به پزشک و عضویت در سندیکا ها خود داری میکنند. سه چهارم مهاجرین مکزیکی (صد ها هزار نفر) که بطور غیر قانونی به ایالات متحد ه وارد میشوند و در یاره به موطن خود بازمی گردند، بطور منظم سهم بیمه و مالیات بردرآمد شان را میپرد ازند. تنها ۴/۶٪ آنها از بیمه اجتماعی و رو بیمه ۴٪ اعانه بیکاری استفاد میکنند.

محافل رهبری کشورهای پیشرفته سرمایه داری با تشکیل بازاری بین المللی کار علاوه بر سود های صرفاً اقتصادي که محصول استخدا نیروی کار خارجی است، سود های اجتماعی - سیاسی هم بدست می آورند. به عقیده آنها، استفاد ه وسیع از نیروی کار ارزان و مطیع خارجی وسیله

موتری برای اعمال فشار دایمی به زحمتکشان کشورهای مهاجریندیراست و موجب تخفیف سرکشی آنها و آرام کردن نشان میشود. چنانکه در دهه ۵۰-۶۰ انحصارات اروپای باختری بکرات از ورود کارگران خارجی مخصوصاً کارگران ژاپن، کره جنوبی، ترکیه و اسپانیا استقبال کردند که با اشتغال آنها در مناطق که با اوج مبارزه مطالبات روبه رو بودند، اعتراض کارگران خودی را دهم شکند.

اغلب انحصارات این تاکتیک را علیه مبارزترین گرد انهای پرولتاریا اروپای باختری، معدنچیان شمال فرانسه، معدنچیان و فلزکاران روهر، فلزکاران و ماشین سازان بلژیک، جمهوری فدرال آلمان فرانسه و سایر کشورهای بکار می گیرند.

طبق ارزیابی های انحصارات، سیاست "خربکاری در مبارزه مطالبات و مقیاس بین المللی" تنها باید به کاهش برخورد هک حاد اجتماعی در کشورهای داری بیکاری تود های با زری رساند، بلکه باید مطالبات طبقه کارگران در کشورهای متقاضی عظیم نیروی کار "تعدیل کند"، به رشد گرایشهای انشعابگرانه رجینش کارگری کمک نماید و مانع از گسترش وحدت عمل زحمتکشان گردد. در راه همین هد فه است که انحصارات و عوامل آنها تلاش میورزند بین گرد انهای ملی طبقه کارگر اختلاف بیاند ازند، پیشد آوری های شونینستی و نزاد پرستانه سکده محلی را تشدید نمایند و از سطح نازل شعور طبقاتی و سازمانی زحمتکشان مهاجر سود جویند و آنها را روی روی سندیکا های محلی قرار دهند.

وزیران کار، کشور و مورخا رجه و همچنین موسسات ویژه کشورهای باختری در تنظیم سیاست مهاجرت زحمتکشان شرکت فعال دارند. آنها د امنه و ترکیب جریانهای نیروی کار خارجی و توزیع آنها بر حسب کشورها و درون هر کشور تنظیم مینمایند. معمولاً آنها ای دولت بورژوازی در روند بسج نیروی کار (مخصوصاً در خارج) در تدارک قانون زحمتکشان مهاجر، شرایط استخدا م، شغل و اقامت در کشور مهاجریند یرد خالت میکنند. آنها در مقید کردن اید تولوژیک آنها فعالانه شرکت می جویند و رفتار آنها را به شدت زیر مراقبت پلیسی و اداری قرار مید هند.

دولت بورژوازی که به نفع سرمایه خصوصی عمل میکند، هزینه با زتویند نیروی کار خارجی را نیز به عهد هد ازند. او د عملیات گرد آوری نیروی کار خارجی سرمایه گذاری کرد ه هزینه های آموزش زبان و تربیت حرفه ای شان را به عهد میگیرد. دولت به جای او د ار کردن کار فرما به تامين هزینه های مربوط، آنها را بدوش مالیات د هندگان تحمیل میکند.

بنابراین، مبینیم که سیاست مهاجرت بیشتر کشورهای صنعتی پیشرفته سرمایه داری به مقصود استفاد ه از اضافت جمعیت این یا آن کشور و کمبود نیروی کار در کشور دیگر سود ه بلکه ناشی از تحولات رشد سرمایه داری انحصارگرانه دولتی، تشدید پدید ه های بحران - آمیز آن و هدف ها و نیازهای تنگ بینانه طبقات فرمانرواست. این سیاست مبتنی بر اذ ه تغییرناپذیر سرمایه داری انحصارگرانه دولتی در تامين نیروی کار ارزان برای موسسات، اعمال فشار دایمی بر بازار کار به منظور باین آوردن سطح عمرمی مزد ها و دیگر هزینه های اجتماعی و جلب حد اکثر سود به موهبت استخدا مضاعف و باین آوردن سطح زندگی کارگران محله و خارجی است. اد امد ازند.

بقیه: تقسیم سرزمینی جهان

پایان تقسیم سرزمینی جهان بین قدرتهای امپریالیستی

ومبارزه برای بازتقسیم آن

مقارن دهه هفتاد قرن گذشته انگلستان، پرتغال، هلند، فرانسه صاحب مستعمرات عظیمی بودند، سایر دولتها مستعمره نداشتند. گذشته از این، سرزمینهای وسیعی در جهان وجود داشت که هنوز زیر سلطه کشورهای سرمایه داری قرار نگرفته بود. از ۱۸۷۶ تا ۱۹۱۴ روند مستعمره کردن شدت یافت. در آن هنگام انگلستان مستعمرات زیادی بدست آورد و فرمانروائی اش را بر دوازدهم سرزمینها و بیش از نیمی از جمعیت کشورهای تازه مستعمره شد. بهر حال، توسعه اد فرانسه در آن موقع از حیث توسعه طلبی استعماری مقام دوم داشت و بر دوازدهم سرزمینهای که تازه تحصیل نمود، مستولی شد، اما حجم جمعیت در این سرزمینها اهمیت چندانی نداشت. "طعمه"های سایر دولتها امپریالیستی (آلمان، ایالات متحده، ژاپن و ایتالیا) بسیار ناچیز بود.

چنگ انداختن به قسمت عظیمی از سرزمینهای "موجود" و تقسیم کلی جهان در مرز قرن نوزدهم و بیست هیچ چیزا تفاق نبود. این امر با استقرار سلطه انحصارات سرمایه داری پیوند نزدیکی داشته است. دقیقاً انحصارات برای صدور کالا و سرمایه تهیه مواد اولیه به تحکیم نفوذشان در اراضی غیرپرداختند و همین امر موجب فتوحات سوداگرانه استعماری و پایان دادن به تقسیم سرزمینی جهان شد. است. لنین در این باره خاطر نشان می سازد: "انحصارات مخصوصاً هنگامی پایدار و استوارند که همه منابع مواد اولیه را در دست خود متمرکز سازند و مادامیکه گروه بندی های بین المللی سرمایه داران با چهل و لعی می کوشند همه امکانات رقابت را از جنگ حریف بیرون آورند. تنها داشتن مستعمرات کامیابی انحصارات را در برپیشامدهای مبارزه با رقیبان کاملاً تضمین میکند حتی در مواردی که اینان برای دفاع از خود به قانون انحصار دولتی متوسل شوند." (لنین، آثار، ج ۲، ص ۲۸۱)

منابع مواد اولیه قبلاً شناخته شده بود، اما محتملاً به انحصار در آمد نبودند تا در دست رقیبان قرار نگیرند. اراد سرمایه مالی در توسعه سرزمینهای مورد بهره برداری و بطور کلی تملک سرزمینی این منابع از همین امر سرچشمه می گرفت. سپس تقسیم سرزمینهای جهان که ناشی از سلطه انحصارات بود، به ایجاد انحصار پیوسته: انحصار استعماری گروه معدود و از کشورهای امپریالیستی منجر شد.

البته، این تقسیم قطعی یا کامل به معنای این نبود که باز تقسیم جهان ناممکن است. به عکس، این وضع مبارزه سخت و ناگزیری را در این زمینه ایجاد می نمود.

در ۱۹۱۴ و قدرت بسیار بزرگ استعماری انگلیس و فرانسه بر ۶۸٪ اراضی و ۸۶٪ جمعیت مستعمرات فرمانروائی داشتند.

در همین دوره رفته رفته آلمان، ایتالیا و ژاپن نیز به تقسیم جهان بین خود نائل آمدند و سپس با تصاحب تعدادی از مستعمرات به قدرتهای بزرگ امپریالیستی بدل شدند. این کشورها خواستار "جای گرم" و حق غارت استعماری بودند و میخواستند که جهان دوباره تقسیم شود. این امر بدوین جنگ میسر نبود. نخستین جنگ جهانی در ۱۹۱۸-۱۹۱۴ به همین علت بوقوع پیوست. در این جنگ آلمان و متحدان وی مستعمرات خود را از دست دادند و در نتیجه این مستعمرات بین ملتهای پیروز تقسیم شد.

تشکیل سیستم استعماری

امپریالیسم

تقسیم سرزمینی جهان بین قدرتهای امپریالیستی به تشکیل سیستم استعماری انجامید. سیستم استعماری امپریالیسم مجموعه ای از روابط استعماری و سارت آواست که از جانب معدودی از قدرتهای امپریالیستی به خلقهای مستعمرات و کشورهای وابسته شامل میلیونها انسان - تحمیل شده است.

در عصر امپریالیسم، نقش مستعمرات نسبت به دوره رقابت آزاد بطور اساسی فزونی و تحول یافته است. لنین در این باره می نویسد: "سرمایه مائی مبارزه برای منابع مواد اولیه، صدور سرمایه ها، "مناطق نفوذ"، یعنی مبارزه برای مناطق معاملات سود مند، امتیازات، سودهای انحصاری و غیره و نیز بطور کلی مبارزه برای سرزمین اقتصاد را به انگیزه های متعدد سیاست استعماری "پیشین" افزود. است." (لنین، آثار، ج ۲، ص ۳۳۳)

در عصر سرمایه انحصاری کشورهای مستعمره و وابسته دارای این امتیازات برای متروپولها هستند:

- ۱- بازارهای برای فروش کالاها
- ۲- منابعی برای مواد اولیه
- ۳- مناطقی برای سرمایه گذاریها
- ۴- سرچشمه درآمد های حاصله از مجاری غیر اقتصادی
- ۵- استحکامات نظامی و استراتژیک و ذخیره های برای ارتشها

موقعیت جدیدی که در نتیجه جنگ و جهانی عمدتاً به موهبت پیروزی اتحاد شوروی بر هیترلیسم و امپریالیسم ژاپن به وجود آمد، به اوج نیرومند جنبش رها ئی بخش ملی در مستعمرات و کشورهای وابسته کمال رسانید. این امر موجب شد که کشورهای سرمایه داری مغلوب و همچنین فاتح (مخصوصاً انگلستان و فرانسه) مستعمرات خود را یکی پس از دیگری از دست بدهند. سیستم استعماری امپریالیسم رفته رفته متلاشی شد. کوششهای متعدد امپریالیسم برای نگاه داشتن خلقها در حلقه وابستگی مستقیم استعماری تا کیام ماند. عصر کولونیالیسم تحت تاثیر مبارزه رها ئی بخش ملی که از پشتیبان طبقه کارگر همه کشورهای جهان سوسیالیسم برخوردار است، به پایان رسید.

شکل بندی سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی

وتشدید تضادهای سرمایه داری

سیستم استعماری امپریالیسم عنصر بسیار مهم سیستم جهانی استعماری بود.

شکل بندی اقتصاد جهانی سرمایه داری خیلی پیش از امپریالیسم آغاز شد. گسترش بازار سرمایه داری جهانی حتی پیش از سرمایه داری انحصاری تعداد بیش از پیش مهمی از کشورهای و خلقها را به مدار خود کشید. این امر به بین المللی شدن دروا بطور ژوئی منجر شد. از این پس اقتصاد بسته به گذشته تعلق داشت و در برابر وابستگی متقابل بیش از پیش نمودار کشورهای و خلقهای مختلف بزرگ و زائل میشد. باید دید اری امپریالیسم، گرایش به بین المللی شدن زندگی اقتصاد فزونی یافت. به مقیاس رویداد این پدید در چارچوب مناسبات سرمایه داری - یعنی به مقیاس بین المللی شدن سرمایه - روند مذکور به هم می آمیزد. برای بین ملت ها بلکه به تسلط کشورهای امپریالیستی بر اکثریت خلقها انجامید. گرایش به نزدیکی اقتصاد بین کشورهای و خلقهای مختلف که فی نفسه مترقی و مثبت است، در واقعیت بنا بر شیوه های صرفاً امپریالیستی: سلطه جزئیسی ها، انقیاد با توسل به نیروی نظامی، زور و استعمار جریانی یافت. تقسیم بین المللی کار بر اساس اعمال زور انجام گرفت: یعنی به ثروتمند شدن بورژوازی انحصارگر و تحکیم سلطه بورژوازی بر سراسر جهان خدمت کرده است.

اقتصاد جهانی سرمایه داری خود را به مثابه سیستمی از روابط و مناسبات اقتصادی بین المللی که با استعمار و انقیاد خلقهای مستعمره و کشورهای وابسته توسط معدودی از دولتها امپریالیستی است می نمایاند. این اقتصاد همچنین، نمایشگر تفوق سرمایه مائی در تمام قلمروهای اقتصاد کشورهای جهان سرمایه داری، مبارزه رقابت آمیز بورژوازی انحصارگر کشورهای مختلف سرمایه داری برای تسلط بر اقتصاد جهانی و مبارزه بین دولتها امپریالیستی برای باز تقسیم جهان است.

تضادهای ویژه اقتصاد جهانی سرمایه داری به تضادهای آنتاگونیستی ویژه شووه تولید سرمایه داری افزود. همیشه: این تضادها عیار ترند از تضادهای میان مستعمرات و متروپولها. تضاد های میان دولتها امپریالیستی و کشورهای کم رشد اقتصاد ای که به استقلال ملی نایل آمده اند و بالاخره تضادهای میان خود دولت های امپریالیستی که خلقهای کشورهای کم رشد را استثمار می کنند.



طرحهائی از انقلاب

ساعت نه صبح که چه خلوت است از مرکز شهر صدای همه همای نا مشخص می آید. کوچه بافرعی های بازوبین بست و چند خمور است نا همگون. با هیچ معیاری از معماری جور رنی آید. و مانند ریسمان بی هدف رها شده. کنار شهر افتاد است و نی در تمام شبانه روز بدون وقفه زندگی در آن جریان دارد.

دختری که دستمال سرخی به سر بسته با جدیت شیشه اتاق طبقه بالا یک خانه را پاک میکند و برق میاندازد. لک های شیشه از بیرون طرف کوچه است. دختری که دست را به پنجره گرفته و روی لبه با ریگی می آید و شروع به پاک کردن شیشه از بیرون میکند. هزاس اینکه میاد اپایش بلغزد، کوچه را در اضطراب فرو میرود. دختر در کارش مهارت دارد. پاک کردن شیشه را تمام میکند و بعد اخل اتساق بر میگردد.

زنی که چادرسیا هی با خالهای سفید به سردارد و پائین آن را در و زگره زده. با چهره ای مصموم و در حیا را بازمیکند و

طشت پر از آب صابون را به کوجه میریزد. کوجهظا هراسا کت و خاموش است. گاه عابری ریگی از خم های آن پیدا و نا پیدا می شود. در خانه ای بازوبسته میشود رچوب کیوتر. بازی در برق آفتاب به حرکت در می آید و صدای بهم خوردن بال کیوتران بر می خیزد. تمام اینها فقط در صورتی است که ذهن مشغول عابری کوچه، فرصت نگاه کردن در قیق به کوجه را ندهد.

همینکه مکث کنی و گوش فراد هی غوغا و خاموشی را در سراسر کوچه شعله ور می یابی. کوجه صد ها شعاری رنگها و خط های مختلف بر چهره دارد و هر گوشه از آن با زبانی، نه چندان متفاوت فریاد میزند. این شعارها، با زتاب مکنونات قلبی ساکنین کوجه است که به یکدیگر و عابری نا شناس و همه جهان پیام میفرستند. آنچه بر دیوارها نقش بسته گویای اینست که کوجه شهباهای و روزهای تب آلود و پرهیجانی را گذرانده. کسی در اینجا تیر خورد. چکمه سربازان وحشت پراکند. شعاری با عجله نوشته شده. شعاری دیگر زبویید. خط خبری را به دیگران مخابره کرده

شعاری زرننگ پرید های حکایت از روزهای د ورتو تکرار نشدنی میکند که رژیم سابق سلطه ای اهریمنی داشته. شعارهای بعد سخن از اختلافات مطبوع و نامطبوع گرو می گوید. و شعارهایی با خط درشت و خوانا، که با حوصله نوشته شده، مصمم بودن مردم کوجه را در مبارزه با حکومت سلطه گر آمریکا، میسراند که از قاره ای دیگر به روی مردم کوجه چنگ انداخته و آنها را عیسان زد. نمود است. روی شعاری خط خورده و کلمه ای از آن عوض شده. در شعاری دیگر جای "درد" با "مرگ" عوض شده و نویسنده قبلی با لجبازی آنرا "درد" کرده و باز خط خورده و باز در دست شده و این غناد بصورت بازی کود کانه ای ادامه یافته. آنچه در شعارها مشترک است فریاد ملت ایران است بر سر آمریکا. کوجه ضمن بازی شعاری، چهره مصموم و جدی خود را در مقابل آمریکا حفظ کرده و به آن جنگ و ندان نشان می دهد. از بزرگترین شعاری که با خط خوش و خوانا با قلم نقاشی نوشته شده، تا کوچکترین شعاری که با ماژیک

یا گچ مد رسه توسط کودکی خرد سال، همه در حال فریاد زد و خروش است. زنی که چاد رسفید گل در رشتی به سردارد از خم کوجه می پیچد. زنبیل سنگینی در دست دارد و قامت بلندش به طرف سنگینی زنبیل خم شده. زن همچنان که در آفتاب گام برمی دارد، نیم تنه اش از مقابل شعارها عبور میکند. شعارها از پشت قامت زن جهند و خوشم آلود فریادشان را سر میدهند. یکی از خانه ها بازمی شود و زنی کودکی خرد سالی را برسمی چرخه ای میگذارد که بازی کند. کودکی جدی و متفکر سه چرخه را به حرکت در می آورد. زن به داخل خانه بازمی گردد و از پنجره آشپزخانه سرک میکشد و مواظب است که کودکی در رجوی نیفتد. کوجه با شعارهایی که بر چهره دارد در حال فریاد زدند. ائم است. آنچه رکشور اتفاق بیفتد روی دیوارهای آن نقش خواهد بست و آنچه اتفاق افتاد با نقشی که بر کوجه گذاشته، ثبت شده است. کوجه زبانش ساکنین آن را در بر دارد که به دنیا اعلام میکنند "ما انقلاب کردیم" "ما انقلاب را به پیش میبریم"

پرویز مسجدی

آنچه امام فرمود

سپس ، در چند جمله کوتاه که جای بحث و بهانه سازی باقی نمی گذارد ، به سراغ دولت موقت و روش تسامح و گذشت و معاشات آن با ضد انقلاب می رود و بر سیاست کذائی گامی که در سعی ناپسند خود برای کشاندن انقلاب به کوره راه حاکمیت سرمایه داری رویه واپس داشت و برای سازش با امپریالیسم و حفظ وابستگی به آن زمینه چینی می کرد ، خط بطلان می کشد :

" دولت موقت را قراردادیم . خطا کردیم . ۲۰ این انتخاب شد و خطا شد "

و امام ، در رخشم انقلابی خود ، تا آنجا پیش می رود که از سوز دل می گوید :

" این از دست ما گذشت ، و در بارگاه خدا ما استغفار می کنیم امام از مصلحت اندیشان ، از اشخاصی که " افکارشان افکار انقلابی نیست " و خود را به انقلاب پیروزمند بسته اند ، از کسانی که تلاش خونین مردم مستضعف را در انقلاب عظیمی که رکن فرمانروائی جهان خواران امپریالیست را به لرزه درآورد ، فقط به چشم نبرد بانی برای صعود خود به قله قدرت فردی یا گروهی می بینند ، بیزاری می نمایند ، و در این کشاکش تشکیل دولت که در موقعیتی چنین باریک سر تمام شدن ندارد ، مجلس و رئیس جمهوری را از اینگونه اشخاص برحد می دارد :

" آقای بنی صدر باید امثال اینها را به مجلس معرفی نکنند ، و اگر کرد ، مجلس رد بکند و هیچ اعتنا نکنند "

" یک نفر وزیر ارشد بعضی از این وزراء که الان هستند باشد ، نپذیرند "

" یک دولت باید باشد (که) تمام افرادش ، وزرایش ، تمامشان اشخاصی باشند که بفهمند چی شده است ، بفهمند که ما در چه حالی هستیم "

و امام ، در راستای نگرانی هائی که در قلبش لانه کرده است ، هشداری می دهد :

" اگر چنانچه ماد دولت مان با مثل سابق باشد ، آنطور وضع ، آنطور بد را داشته باشد ، ما باید عزای این نهضت را بگیریم و پیروزی ما امکان ندارد "

امام مجلس را ، به عنوان مظهر اراده ملت انقلابی حاکم واقعی می خواهد :

" حالا که مجلس تأسیس شد و مجلس رسمیت پیدا کرد ، همه امور باید تحت نظارت مجلس به روال خود پیش برود "

کارهائی را که دولت می کند ، همین طور کارهائی که در وزارتخانه ها می شود و کارهائی که در استانها می شود ، تحت نظر باشد و مجلس با زخواست کند از اینها "

" دولت اگر بخواهد یک قدم کناری بردارد با قاطعیت نخواهد شوردش کند "

و در پایان برای آن که قدرت واقعی انقلاب و اختیار تصمیم گیری در مجلس متمرکز گردد و نمایندگان مردم بتوانند وظیفه خطیر نظارت بر کارهای دولت و جلوگیری از هرگونه انحراف و خود سری و خود کامگی را ، در ضمن قانونگزاری به درستی و راستی انجام دهند ، امام با تأکید تمام می فرماید :

" تمام کمیته ها در سر تا سر مملکت باید به قدرت خود ش باقی باشد . تمام سپاه پاسداران در سر تا سر مملکت باید به قدرت خود ش باقی باشد . تمام ادغامهای انقلابی در سر تا سر مملکت باید به قدرت خود ش باقی باشد "

" این نهاد های انقلابی ، تمام آنها ، باید بدون این که دستی به آن هازده بشود ، تمام اینها باید سر جای خود ش باشد و کارها به طور انقلابی بگذرد "

حرف صریح است و چون و چراندارد . مصلحت انقلاب همین اقتضای می کند . امام درست می فرماید :

" انقلاب است . انقلاب غیر آن طوری است که ما خطا کردیم - انصافا خطا کردیم - که این طور عمل کردیم . از این به بعد باید این خطا نشود و عمل بشود ، به طور قدرت عمل بشود ، به طور قاطعیت عمل بشود "

متأسفانه ، یکی از حواشی افراط پیشه و متعصب روحانیت مبارز راستنباطی نادرست از سخنان کوبنده امام ، به جای خشم گرفتن بر عوامل بازدارنده انقلاب ، بر کسانی که چندین مرحله پیش از این می خواستند انقلاب را متوقف سازند و نتوانستند ، ولی از ایام هم نشسته اند و هم اکنون در مجلس شورای اسلامی حضور دارند ، باری به جای رفتن به سراغ دست اندر

یاسر عرفات میهمان المپیاد



در بین مدعوین بلند پایه المپیک مسکو ده زیاده شخصیت های اجتماعی و سیاسی مشهور وجود دارند . یکی از آنان یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزاد یبخش فلسطین است . عرفات در یک مصاحبه با خبرنگاران تلویزیونی شوروی و خبرگزاری مطبوعاتی نووستی اظهار داشت :

" من معتقدم که بازی های المپیک اصولاً جایزه اهمیت بین المللی فراوان می باشد . المپیک کنونی که در کشور صلح و دوست شوروی برگزار میشود بخصوص اهمیت بسزائی کسب می کند . من مطمئنم که دیدار ورزشکاران جهان در مسکو موفقیت بزرگی خواهد داشت زیرا این دیدار ، گام مهم دیگری است به سوی صلح در سراسر جهان . و گواها تا زهای است به نفع دوستی و همبستگی بین ملتها ، به همین سبب من از سازمان دهندگان بیست و دومین دوره بازی های المپیک به مناسبت دعوت محبت آمیز بسیار سپاسگزارم . خیلی از شرکت کنندگان در بازی های المپیک مسکو از طرف پاره ای محافل تحت فشار قرار گرفتند و حتی تهدید شد ند بمنظور اینکه از شرکت آنان در این واقعه مهم جلوگیری شود . ولی هیچ تهدید

و فشاری نتوانست در اراده ورزشکاران خللی وارد آورد و از بیوستن آنان به صفوف المپیست ها جلوگیری نماید . من یکی از مدعوین کثیر العده ای بودم که در مراسم پرشکوگشاایش بیست و دومین دوره بازی های المپیک حضور داشتم و روزه شکوهند هیئت های ورزشی را دیدم . ورزشکاران ۸۱ کشور که در المپیک شرکت دارند اکنون از میهمان نوازی گرم مسکوئی ها برخوردارند . این ، فستیوال واقعی جوانی و انرژی بود . این منظره ای بود حیرت انگیز و فراموش نشدنی . من بسیار خوشحالم از اینکه مکان دیدن تمام اینها بهمین داد شد "

یاسر عرفات در پاسخ سؤال خبرنگار مبنی بر اهمیت بازی های المپیک برای کشورها در حال توسعه از آن جمله کشورهای عرب گفت :

" تردید نیست که شرکت کشورهای رویه

در هفته گذشته

" گفتند این مصلحت اندیشان سازمانی که آدم نکشند و چه نکردند این عفو بشود . این عفو برخطا واقع شد و اینها ریختند مشغول توطئه شدند . یک جمعیتی که در دست ما بودند رهبران کردیم . سته را هم که باید می گرفتیم ، نگرفتیم "

عفو گروهی از عناصر فعال ساوا که بهانه عدم ارتکاب قتل و شکنجه و بی اعتنائی به تعقیب آنها موجب تشویق آنها در سازمان یافتن بر ضد انقلاب شد . فعالیت های سیاسی و تخریبی این گروه امروز بر هیچکس پوشیده نیست . بعب گزاریها و تبلیغ علیه انقلاب و رهبران در چرخه رگوشه کشوریدست این واخوردگان انجام میگردد .

عدم پاکسازی وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی موجب شده است که برخی از مسئولان دست در دست باند های سیاه علیه انقلاب به توطئه چینی بپردازند . کشف یک مرکز جاسوسی در هتل اینترکننتینال که نمایی از سهام آن متعلق به شرکت های امپریالیستی ونیم دیگر متعلق به ارشاد ملی است ، نشان داد که این مرکز ازبید و انقلاب یکی از مراکز مهم توطئه جاسوسی بر علیه انقلاب بود . است مثلثات سوسر و قشائنی با جاسوسان سیا و نیز رهبری تظاهرات ضد - حجاب در این مرکز انجام گرفته است . در برتو همین همکارها بسیاری از خبرنگاران شناخته شده سیاه کجبرم جعل اخبار و نشر اکاذیب و پخش اخبار تحریک آمیز از ایران اخراج شده بود ، و بازرها بران بازگشتند . آقای صالحی با زهرس کمیته مرکزی و وزارتخانه ارشاد ملی و مورخا رجهراد را این امر مقصود است . از این رو ، پاکسازی وزارتخانه های کشوری و لشگری از مسایل مهم تدوم انقلاب است . زیرا به گفته امام : " وزارتخانه ها الان هیچکدام امیک وزارتخانه صحیح نیست " ، این اشخاص که انقلابی نیستند باید در رأس وزارتخانه ها نباشند "

به اعتبار فعال بودن عناصر زشکار و نیمه راه موجد انقلابی است که محافل تجار و کارامپریالیستی و ایاد یوا بسته به آن حلقه محاصره

ناران و هواداران دولت موقت که وجودشان و عمرشان سراسر خطا بود ، است ، با تجهبیز گروهی از همه دست ، به سازمان جوانان د مکررات و دبیرخانه حزب توده ایران هجوم برد و آنجا را - پس از راه کردن روزنامه ها و کتاب ها و غارت اثاث شان - به اشغال درآورد . این عمل بسیار روخیم ، که آشکارا اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را پایمالی می کند ، در حقیقت و سازمان اصیل انقلابی رواداشته می شود که در رهه جهات سیاسی و اجتماعی همواره برخط انقلابی و ضد امپریالیستی امام بود هاند . در شرایط کنونی ، از این زبان بخش ترجیزی نیست که

توسعه ربا زبهای المپیک و مسکوفوق العاده مهم است . قبل از همه بد آن سبب که به پیشرفت ورزش در این کشورها کمک می نماید . فزون بر این حضور آنها در اینجا نشان میدهد که این کشورها تسلیم تهدید و فشار نشده اند . قبل از همه فشار از جانب رهبری آمریکا و تا آخر راه خود را دنبال کردند . این کشورها با این عمل خود سهم پر ارزش در مبارزه با خطا صلح و دوستی و همبستگی دادند .

یاسر عرفات در پایان اظهار داشت :
" می خواهم این را به اطلاع برسانم که در حال حاضر ورزشکاران فلسطینی اعضای پنج فد را سیون بین المللی هستند که به آنها اجازه میدهد مطابق با مقررات المپیک در بازی های المپیک آیند شرکت نمایند "



هفته نامه

اتحاد مردم

صاحب امتیاز : محمود اعتمادزاده (به آذین)

سردبیر : محمد تقی برومند

نشانی :

خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

تلفن ۶۴۴۳۸۴

خود را روز به روز تنگ تر می سازند .
"ها ترین" فرماندهان و گان آمریکا در اقیانوس اطلس در مصاحبه با روزنامه "الخلیج" چاپ ابوظبی اعلام داشتند که آمریکا در نظر ندارد نیروهای نظامی خود را از خلیج فارس به اقیانوس هند و خاور نزدیک فراخواند و حتی اگر نیروهای شوروی زافغانستان خارج شوند ، نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه باقی خواهد ماند . بنا به گزارش خبرنگارها ۶۶ ناوگان جنگی حامل نیروهای نظامی با هلی کوپترهای گلدن کالنال و ۸۰۰ بیاد نظامی در ریاض در حال حرکت از دریای مدیترانه به سوی خلیج فارس است تا در این منطقه بمیک سلسله عملیات آموزشی نظامی دست یازد . همزمان جراید مصر خبر داد هاند که ۲۵۰۰۰ افراد نظامی آمریکا به منطقه خلیج فارس منتقل می شوند .

تشدید فعالیت های امپریالیسم آمریکا پس از شکست در توطئه طبس و توطئه خیرکود تا نگرانی مؤمنین به انقلاب را ساخت بر می انگیزد .

در چنین شرایطی که ملت ما بیش از هر وقت به هشیاری ، قاطعیت در برابر بر ضد انقلاب و فشرده گی صفوف نیروهای انقلابی نیاز دارد ، با تعجب دید می شود که گروهی به نام " فاع از " اسلام ابتدائی ترین حقوق و آزادی های مردم می مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی را زیر پا نهاده ، با تحریک عناصر ناگامه فاطر روزنامه ها و جمعیت های سیاسی بورژوازی برند و هر چه را سر زا می یابند در هم شکسته و با به غیمت می برند .

ایاد در برابر توطئه های گسترده ، داخلی و خارجی امپریالیسم این نوع اقدامات تخریبی تأمل انگیز نیست ؟
تجربه دوران پس از انقلاب با رهان نشان داد هاست که در آستانه هر توطئه یک سلسله اقدامات مشابه نیز پیش های ظاهر فریب صورت گرفته است .

تفرقه در بین نیروهای انقلابی به هر عذر و بهانه نمبضرا انقلاب است و باید تا دیر نشده دست گروه های فشار را از خالت در سرنوشت انقلاب کوتاه کرد ●

میان نیروهای انقلابی تفرقه افکنده شود . تنها ضد انقلاب بر چنین کارهائی آفرین می گوید و تنها ضد انقلاب است که از آن سود می برد . این چاله ای است که از پس آن چاهائی برای انقلاب ماکند هاند . هر چه زود تر از چاله به درآئیم و هشیار باشیم که در چاه نیفتیم .

وفاداری به خط انقلابی امام ایجاب می کند که امکان فعالیت آزاد به حزب توده ایران و سازمان جوانان د مکررات باز داده شود .